

ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ نوظهور در ایندو _ پاسیفیک و پیامدهای آن بر نظم جهانی آمریکا

محمد کرپوری^۱*

فخرالدین محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

چکیده

جهان از نظر تغییر توزیع جهانی قدرت در نوسان است و پویایی‌های نوظهور نظم جهانی تغییر شکل یافته و عمدتاً توسط دولت‌ها و بازیگران امنیتی هدایت می‌شود. امروزه دولتی که از نظر تولید ناخالص داخلی و قدرت نظامی در منطقه وسیع ایندو_ پاسیفیک اندازه‌گیری می‌شود، هند است. این پژوهش با استفاده از روش گردآوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای و روش تحقیق مبتنی بر رویکرد توصیفی_ تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال مهم است که ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ چه پیامدهایی بر نظم جهانی آمریکا دارد؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که قدرت‌های بزرگ جدیدی ممکن است ظهور کنند که تک‌قطبی را تضعیف کرده و به یک سیستم دوقطبی یا چندقطبی منجر شود.

نتایج نشان می‌دهد هند در حال در دست گرفتن سهم قدرت از کشورهای بزرگتر یعنی چین و آمریکا است و باعث می‌شود که آن را تغییر داده و در نهایت به اوج خود برسد. قدرت رو به رشد هند چالشی را برای نظم جهانی تحت رهبری آمریکا ایجاد می‌کند که به ترتیبات جدید، گسترده و مشترک بین‌المللی نیاز دارد اما هند ترجیح می‌دهد که همکاری و مشارکت استراتژیک خود را با آمریکا برای مقابله و رقابت با چین در جهت به دست گرفتن ابتکار رهبری منطقه ادامه دهد، ولی در نهایت باعث تقویت هم‌مونی آمریکا در منطقه ایندو _ پاسیفیک می‌شود.

واژگان کلیدی: هند، آمریکا، چین، ایندو _ پاسیفیک، نظم جهانی.

^۱ دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران. نویسنده مسئول.

(mohammad.karampouri@mail.um.ac.ir)

^۲ کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

(mohammadif725@gmail.com)

۱. مقدمه

منطقه هند_اقیانوس آرام بیش از نیمی از جمعیت جهان، نزدیک به دوسوم اقتصاد جهان و هفت کشور از بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان را در خود جای داده است (چان^۱، ۲۰۲۲). صرف‌نظر از میزان تغییرات، عوامل ساختاری به وضوح نشان می‌دهد که مرکز سیاست، قدرت و نفوذ جهانی در حال انتقال به آسیا است (توماس و همکاران^۲، ۲۰۲۱: ۱۳). در این راستا، هند به عنوان یک قدرت بزرگ در حال ظهور است. هند، نظم نوین جهانی را مکانی میهمان‌نواز برای جاه‌طلبی‌های خود برای تبدیل شدن به یک «قدرت پیشرو» در امور جهانی یافته است این امر به دلیل افزایش روابط ویژه بین دهلی‌نو و واشنگتن است (موکرژی^۳، ۲۰۲۰: ۴۲۰).

تا همین اواخر، هند عمدتاً به عنوان یک کشور در حال توسعه فقیر تلقی می‌شد و در جبهه سیاسی جهانی و به ویژه اقتصاد جهانی از دید کمی برخوردار بود. با این حال، از دهه گذشته به نظر می‌رسد هند در حال نوشتن آینده‌ای جدید و پویا برای خود است (باوا^۴، ۲۰۰۷: ۱). از روزگار پرهیاهوی نهریو، همه رهبران هند بر اساس عظمت تمدن، موقعیت استراتژیک و نگاه متمایز آن به جهان، سرنوشت یا مأموریت خاصی را برای هند در آسیا و جهان اعلام کرده‌اند. آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۹۸ یکی از راه‌های بیان جاه‌طلبی هند برای جدی گرفتن به عنوان یک قدرت بزرگ بود. هند اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده است که در نهایت نوید تحقق پتانسیل عظیم اقتصادی خود را می‌دهد. این کشور دارای سومین ارتش بزرگ جهان است و موقعیتی استراتژیک در تقاطع خلیج فارس، آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی دارد (کوهن^۵، ۲۰۰۰). قرن بیست و یکم عصر آسیایی است که متعلق به چین و هند است. پایان جنگ سرد و تأثیرات فزاینده جهانی شدن نیز هند را وادار می‌کند موقعیت و نقش خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی بازتعریف کند. از زمان آزادسازی اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ که منجر به نرخ رشد ۶ تا ۷ درصد شد، حضور جهانی هند به طور پیوسته قابل مشاهده بوده است. سود سیاسی که به‌عنوان بزرگترین دموکراسی جهان به‌دست آورده است و وضعیت اقتصادی رو به رشد آن بر اساس پیش‌بینی‌ها، باعث می‌شود هند، همراه با چین، به‌عنوان یک محرک اقتصادی کلیدی در آینده ظاهر شود. هند، رهبر شناخته‌شده جنوب، از این نقش فراتر رفته و نقش جهانی بزرگتری ایفا می‌کند، توسعه‌ای که هم توسط ایالات متحده و هم اتحادیه اروپا در مشارکت‌های استراتژیک مربوطه خود با هند تأیید شده است (باوا، ۲۰۰۷: ۲). هند وضعیت قدرت متوسط و طرز فکر قدرت رو به رشد دارد. جهان چندقطبی در حال ظهور فرصت‌ها و همچنین چالش‌هایی را برای سیاست خارجی هند آشکار می‌کند (کوکراجا^۶، ۲۰۲۰: ۸).

هند بودجه دفاعی سالانه بزرگ و رو به رشدی دارد و از نظر اقتصادی انتظار می‌رود طی پنج سال آینده به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شود. همچنین انتظار می‌رود که هند در چند سال آینده به سریع‌ترین رشد اقتصادی بزرگ تبدیل شود و آن جایگاه ارزنده را از چین بگیرد؛ بنابراین می‌تواند متناسب با قدرت روبه رشد

¹ chan

² Thomas & at el

³ Mukherjee

⁴ Bava

⁵ Cohen

⁶ Kukreja

خود، نقش مهمی در نظم جهانی ایفا کند؛ بنابراین ظهور هند می‌تواند پیامدهای مهمی برای نظم بین‌المللی که آمریکا سردمدار آن است داشته باشد به این دلیل که ظهور قدرت‌های بزرگ باعث می‌شود تا آنها این توانایی را بدست آورند که نظم را مطابق با ترجیحات خود شکل بدهند؛ بنابراین هند می‌تواند نظم آمریکا را تحت تاثیر قرار دهد. در این تحقیق ضمن نشان دادن وضعیت کنونی هند در ایندو_یاسیفیک با استفاده از قدرت جامع، وضعیت و چشم‌انداز آینده آن در مقایسه با قدرت‌های بزرگ در نمودار چرخه قدرت مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ سپس پیامدهای ظهور هند بر نظم جهانی آمریکا بررسی می‌شود؛ بنابراین سوال مهم این است ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ چه پیامدهایی بر نظم جهانی آمریکا دارد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. مبانی نظری

رویکرد نظری در این مقاله بر اساس نظریه چرخه قدرت و قدرت جامع می‌باشد. قدرت جامع طیفی توانایی کلی یک کشور در تمام قابلیت‌ها در وضعیت موجود ارزیابی می‌شود. شاخص جهانی قدرت به عنوان عبارت عددی تعریف می‌شود که انباشت ظرفیت‌های ملی را که یک دولت برای اعمال قدرت خود در سیستم بین‌المللی دارد، محاسبه می‌کند. شاخص قدرت جهانی از ۱۸ شاخص استفاده می‌کند که در ۳ زیر شاخص سازماندهی شده‌اند که نه تنها قدرت سخت (مربوط به قدرت جهانی یا قابلیت‌های مادی ملی) را تحلیل می‌کنند، بلکه «قدرت روبه رشد» را از لحاظ ثروت و رفاه را نیز در نظر می‌گیرند (شاخص جهانی قدرت، ۲۰۲۳). شاخص جهانی قدرت، قدرت را در معیارهای زیر ارزیابی می‌کند.

جدول شماره (۱) شاخص‌های جهانی قدرت

شاخص ظرفیت‌های غیرمادی	شاخص ظرفیت‌های نیمه مادی	شاخص ظرفیت مواد
ICI ^۱ یک شاخص ترکیبی است که قصد دارد با در نظر گرفتن شش متغیر مهم، قدرت فرهنگی و ارتباطی (قدرت نرم) را منعکس کند.	SCI ^۲ یک شاخص ترکیبی است که با در نظر گرفتن شش متغیر اساسی به دنبال آن است که ثروت و رفاه را به عنوان قدرت (قدرت تقویت) معرفی کند.	MCI ^۳ یک شاخص ترکیبی است که به دنبال اندازه‌گیری قدرت نظامی و اقتصادی (قدرت سخت) با در نظر گرفتن شش متغیر اساسی است.

منبع: شاخص جهانی قدرت، ۲۰۲۳

اما رویکرد جامع‌تر و کامل‌تر نیز به قدرت وجود دارد و موسسه لاوی^۵ قدرت را با معیارهای زیر ارزیابی می‌کند و سپس میزان قدرت کشور موردنظر بر حسب قدرت کوچک، قدرت منطقه‌ای و قدرت بزرگ ارزیابی می‌کند.

¹ worldpowerindex

² Immaterial Capacities Index

³ Semimaterial Capacities Index

⁴ Material Capacities Index

⁵ Lowy Institute

جدول شماره (۲) هشت معیار قدرت جامع

قابلیت اقتصادی
قدرت اصلی اقتصادی و ویژگی‌های اقتصادی با بیشترین ارتباط ژئوپلیتیکی؛ برحسب تولید ناخالص داخلی در برابری قدرت خرید، اهرم بین‌المللی، پیچیدگی فناوری و اتصال جهانی اندازه‌گیری می‌شود.
قابلیت نظامی
قدرت نظامی متعارف؛ از نظر هزینه‌های دفاعی، نیروهای مسلح و سازمان، تسلیحات و پلتفرم‌ها، قابلیت‌های مانور و موقعیت نظامی آسیایی اندازه‌گیری می‌شود.
تاب‌آوری
توانایی جلوگیری از تهدیدهای خارجی واقعی یا بالقوه برای ثبات دولت؛ از نظر ثبات نهادی داخلی، امنیت منابع، امنیت ژئواکونومیک، امنیت ژئوپلیتیک و بازدارندگی هسته‌ای اندازه‌گیری می‌شود.
منابع آینده
توزیع پیش‌بینی شده منابع و قابلیت‌های آینده که امروزه در درک قدرت نقش دارند. بر اساس برآوردهای اقتصادی، دفاعی و منابع گسترده در سال ۲۰۳۰ و همچنین پیش‌بینی سود سهام جمعیت در سن کار و نیروی کار برای سال ۲۰۵۰ اندازه‌گیری می‌شود.
روابط اقتصادی
ظرفیت اعمال نفوذ و اهرم فشار از طریق وابستگی‌های متقابل اقتصادی؛ از نظر روابط تجاری، روابط سرمایه‌گذاری و دیپلماسی اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود.
شبکه‌های دفاعی
مشارکت‌های دفاعی که به‌عنوان تقویت‌کننده نیروی توانایی نظامی خودمختار عمل می‌کنند. از طریق ارزیابی اتحادها، دیپلماسی دفاعی منطقه‌ای و انتقال تسلیحات سنجیده می‌شود.
نفوذ دیپلماتیک
وسعت و جایگاه روابط خارجی یک دولت؛ از نظر شبکه‌های دیپلماتیک، مشارکت در موسسات و اتحادهای چندجانبه و سیاست خارجی کلی و جاه‌طلبی استراتژیک سنجیده می‌شود.
نفوذ فرهنگی
توانایی شکل دادن به افکار عمومی بین‌المللی از طریق جذابیت فرهنگی و تعامل. برحسب فرافکنی فرهنگی، جریان اطلاعات و تبادل افراد اندازه‌گیری می‌شود

منبع: موسسه لاوی، ۲۰۲۱: ۴

سیکل قدرت نیز چشم انداز آینده یک قدرت را نشان می‌دهد و در مورد چشم انداز آینده قدرت مورد نظر، افول و صعود آن را به صورت بلندمدت در چرخه قدرت نمایان می‌کند. بر همین اساس، نظریه سیکل قدرت اولین بار توسط چارلز دوران^۱ ارائه شد و بعد از آن توسط دیلان کیسان^۲ گسترش یافت. چرخه قدرت عبارتی کوتاه شده برای چرخه قدرت نسبی و نقش سیاست خارجی است. دوران به‌صراحت مفهوم نقش سیاسی بین‌المللی را در نظریه چرخه قدرت خود گنجانیده است، با این استدلال که با قدرت در مسائل کشوری، هم امنیت ملی و هم مفهوم لیبرال یک نظم جهانی مشروع برابر است (لاهنمان^۳، ۲۰۰۳: ۹۸). تئوری چرخه قدرت

¹ Doran

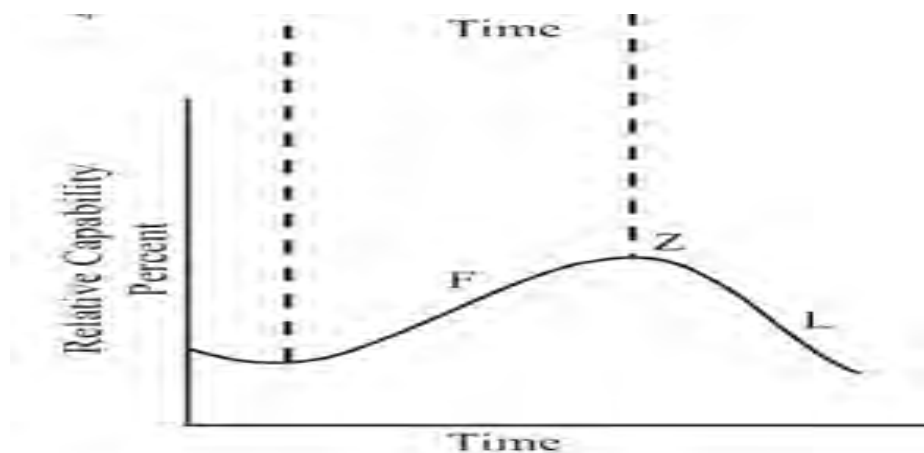
² kissane

³ Lahnemn

«دیدگاه دولت‌محور» منحصربه‌فرد سیاسی بین‌المللی را آشکار و روشن می‌کند. چرخه قدرت، مسیر تعمیم‌یافته تغییر قدرت نسبی یک دولت در دوره‌های زمانی طولانی، ساختار در حال تغییر نظام و ظهور و افول دولت را منعکس می‌کند. یک قدرت بزرگ هر حالت و سیستم را در یک «دینامیک واحد» از تغییر سهم سیستمی در برمی‌گیرد (دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۲). نظریه چرخه قدرت کلاسیک روشی برای مقایسه بازیگران حالت در یک سیستم برحسب توان نسبی آنها است که با اشاره به یک‌سری قابلیت‌های مادی تعریف‌شده است (کیسان، ۲۰۰۵: ۱۰۸).

اصول چرخه قدرت توضیح می‌دهد که چگونه تغییرات قدرت مطلق در سیستم باعث افزایش و افول حالت‌ها می‌شود. در درون این «دینامیک واحد» تغییر سهم سیستمی، دولت‌های منفرد از چرخه‌ای از قدرت نسبی عبور می‌کنند که در آن به رشد، بلوغ و سپس افول تبدیل می‌شوند، این چرخه زمینه را برای نقش سیاست خارجی دولت تعیین می‌کند. بر اساس اصول چرخه قدرت، این پویایی واحد «تغییر ساختار سیستم‌ها، روندهای تاریخ و تغییر تعادل نیروهای جهانی» را منعکس خواهد کرد که توسط دولتمردان و مورخان اقتصادی و دیپلماتیک ارزیابی شده‌اند. «مرحله صعود و سقوط در تاریخ» مسیرهای برتری، زوال و روندهای تغییر در چرخه‌های قدرت دولتی را دنبال می‌کند (دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۵).

تئوری چرخه قدرت به تحلیلگر اجازه می‌دهد تا داده‌هایی را در مورد آن دسته از قابلیت‌های مادی که در امور بین‌الملل مهم تلقی می‌شوند، یعنی عوامل نظامی و اقتصادی جمع‌آوری کند و پیش‌بینی‌هایی ایجاد کند که منعکس‌کننده توزیع نسبی قدرت در یک سیستم بین‌المللی باشد. با در نظر گرفتن سیستم قدرت بزرگ جهانی و بازیگران تشکیل‌دهنده آن، واضح است که تغییری در حال ظهور است (کیسان، ۲۰۰۵: ۱۲۱). شاخص‌های قدرت باید اندازه و توسعه دولت را بر روی متغیرهای اقتصادی و نظامی متناسب با سیستم و فاصله تاریخی معین منعکس کنند (دوران، ۲۰۰۳: ۱۸). اولین اصل بنیادی چرخه قدرت در سادگی خود ظریف است: سهم سیستمی یک دولت زمانی افزایش می‌یابد که نرخ رشد مطلق آن بیشتر از هنجار سیستمی باشد. علاوه بر این، یک حالت واحد که سریعتر از هنجار سیستمی رشد می‌کند، شتاب تغییر را در چرخه‌های قدرت دولت در سراسر سیستم آغاز می‌کند. طبق دومین اصل بنیادی چرخه قدرت، حتی زمانی که نرخ‌های رشد مطلق حالت‌های متفاوت در سراسر سیستم بدون تغییر باقی می‌مانند، مطابق نمودار شماره (۱) در نقطه (F) رشد توان نسبی یک دولت فقط برای مدتی شتاب می‌گیرد و سپس در نقطه (Z) روند کاهش سرعت را آغاز می‌کند و به دلیل محدودیت‌های سیستم (متناهی بودن سهم سیستمی) که باعث اوج‌گیری و تبدیل به زوال نسبی می‌شود. به‌طور مشابه، در نقطه (L) کاهش شتاب‌دهنده شروع به کاهش سرعت به حداقل سطح خواهد کرد (دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۸).



نمودار شماره (۱) نمودار سیکل قدرت

منبع: دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۸

مؤلفه‌های نقش و قدرت یک دولت به شدت به سایر دولت‌ها وابسته است، زیرا نقش یا مؤلفه قدرت هر دولت در کل مقدار نقش یا قدرت در سیستم نقش دارد که مجموع آنها نمی‌تواند از ۱۰۰ درصد تجاوز کند. بر این اساس، اقدامات نسبی بیشترین اهمیت را دارند. به‌عنوان مثال، فرض کنید که آمریکا قدرت اقتصادی و قدرت ساختاری خود را در ۲۰ سال آینده دو برابر کند. برای شناخت اهمیت این تحول در امور بین‌الملل، بررسی تغییرات در وضعیت اقتصادی سایر کشورها ضروری است. اگر همه دولت‌های دیگر قدرت اقتصادی خود را در یک بازه زمانی سه‌برابر می‌کردند، آمریکا سهم کمتری از کل قدرت اقتصادی را در اختیار خواهد داشت و به دلیل کاهش قدرت نسبی اقتصادی، می‌توانند انتظار داشته باشند که نفوذ کمتری در صحنه جهانی داشته باشد (لاهنمان، ۲۰۰۳: ۱۰۲).

۲-۲. پیشینه پژوهش

توماس و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان «هند: قدرت جهانی در حال ظهور»، با استفاده از چین به‌عنوان معیار، چشم‌اندازها و چالش‌های پیش روی دستیابی هند به قدرت جهانی را ارزیابی می‌کنند و در ارزیابی خود از شاخص‌های جمعیت، تولید ناخالص داخلی، ارزش‌های جهانی، مشارکت زنان و سرمایه‌گذاری مستقیم برای مقایسه دو کشور هند و چین استفاده می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که هند احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ با ایالات متحده و چین برابری خواهد کرد و در پایان این قرن به عنوان قدرت برتر جهانی ظاهر خواهد شد.

ونا کوکرجا^۲ (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان «هند در نظم جهانی چندقطبی نوظهور: پویایی و چالش‌های استراتژیک» استدلال نموده برای مقابله با چین، هند به دنبال مشارکت استراتژیک نزدیک با ایالات متحده

¹ Thomas & at el

² Veena Kukreja

آمریکا، متحدان و شرکای اصلی آن در آسیا-اقیانوسیه با حفظ استقلال استراتژیک خود است و چالش‌ها و فرصت‌های هند را در جهان چندقطبی بیان می‌کند.

کومار^۱ (۲۰۰۳) در مقاله خود با عنوان «تحلیل چرخه قدرت هند، چین و پاکستان در سیاست منطقه‌ای و جهانی» برای ردیابی چرخه‌های قدرت نسبی این کشورها، از یک دوره زمانی ۴۵ ساله (۹۵-۱۹۵۰) استفاده کرده است. قدرت بر روی هشت شاخص اندازه‌گیری می‌شود. جمعیت، مصرف انرژی، مصرف انرژی سرانه، تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص ملی سرانه، کل تجارت، بودجه نظامی و هزینه‌های نظامی به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی، کومار در مقاله خود به ترسیم سیکل قدرت هند، چین و پاکستان پرداخته است.

منجیت پارديسي^۲ (۲۰۱۷)، در مقاله خود با عنوان «برتری جهانی آمریکا و ظهور هند» استدلال نموده که حمایت آمریکا از هند در حال رشد با اهداف امنیتی و استراتژیک گسترده‌تر آن همسو است. هند، به نوبه خود، همچنان به دنبال دستیابی به موقعیت برتر منطقه‌ای است، اما از حضور ایالات‌متحده در منطقه جنوب آسیا-اقیانوس هند استقبال می‌کند.

موکرچی^۳ (۲۰۲۰)، در مقاله خود با عنوان «آشوب به عنوان فرصت: ایالات‌متحده و نظم جهانی در استراتژی بزرگ هند»، به فرصت‌های هند در نظم جهانی پرداخته است و چالش‌های روابط هند و آمریکا را بررسی نموده است و عصر ریاست جمهوری ترامپ را به عنوان بی‌نظمی جهانی می‌داند که هند می‌تواند در آن نقش مهمی ایفا کند.

کالیان آرامان و بکولد^۴ (۲۰۲۱) در کتاب خود با عنوان «سیاست قدرت بزرگ هند: مدیریت ظهور چین»، تغییرات سیاست خارجی و دفاعی هند را در واکنش به قدرت اقتصادی و نظامی رو به رشد چین و افزایش ردپای آن در سراسر اقیانوس هند و اقیانوس آرام بررسی می‌کند و بیشتر تاکید آن بر نقش هند در رقابت بین چین و ایالات‌متحده است. نویسندگان در این کتاب دورنمای هند را به عنوان قدرت بزرگ تصور نموده‌اند و نتیجه می‌گیرند که هند باید با فرصت‌ها و چالش‌های مربوط به ظهور خود به عنوان یک قدرت بزرگ دست‌وپنجه نرم کند، سیاست خارجی آن بیش از هر چیز با نحوه توزیع قدرت بین چین و ایالات‌متحده شکل خواهد گرفت با درجه قاطعیت و حضور چین در همسایگی هند و با سطح تعهدی که ایالات‌متحده به پویایی توسعه‌یافته هند و اقیانوس آرام قائل است.

بورگس^۵ (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «تکامل روابط هند و آمریکا و استراتژی بزرگ هند» روابط هند و آمریکا را در عرصه نظامی، اقتصادی و امنیتی بررسی می‌کند و توضیح می‌دهد که روابط هند و آمریکا چارچوب استقلال استراتژیک، از سال ۲۰۰۰ تا به امروز افزایش یافته و در حوزه‌های کلیدی تقویت شده است و در حال گسترش است. در صورتی که تنش‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی بین هند و چین افزایش یابد هند ممکن

¹ kumar

² Pardesi

³ Mukherjee

⁴ Bekkevold & Kalyanaraman

⁵ Burgess

است به سمت اتحاد رسمی با ایالات متحده حرکت کند و به یک شریک راهبردی برای آمریکا تبدیل خواهد شد.

رامش سینگ^۱ (۲۰۲۰) در کتاب خود با عنوان «اقتصاد هند» به توصیف و تشریح اقتصاد هند و فرآیند تحول آن می‌پردازد و عنوان می‌کند شرایط جدید، هند را وادار کرد تا تحت فرآیند اصلاحات اقتصادی که در سال ۱۹۹۱ آغاز شد به سمت «تجدید ساختار» اقتصادی (نئولیبرال) برود. از نظر وی به طور کلی نیروهای دگرگون‌کننده که خطوط رشد اقتصادی هند را در ۶۵ سال گذشته تغییر داده‌اند توسط سند دولتی در پنج حوزه برجسته شده است:

۱- تغییر جمعیت: جمعیت هند سه برابر شده است (در سال ۲۰۲۲ از چین پیشی گرفت).
 ۲- تغییر اقتصادی: اقتصاد هند دستخوش یک تغییر پارادایم شده است و بیش از صد برابر نسبت به ۱۹۶۵ افزایش یافته است و از نظر تولید ناخالص داخلی جز ۵ کشور مهم جهان محسوب می‌شود تا به عنوان یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان ظاهر شود.

۳- تغییر در بخش خصوصی: ماهیت اقتصاد هند و نقش دولت در آن دستخوش یک تغییر پارادایم شده است و بخش خصوصی هند که توسط یک ساختار به طور فزاینده باز و آزاد شده هدایت می‌شود، به یک نیروی پویا و مهم تبدیل شده است. این بخش نه تنها در لبه برش بین‌المللی، بلکه با مقیاس و گستردگی جهانی نیز کار می‌کند.

۴- نیروهای جهانی‌شدن: در دهه‌های اخیر، جهان به‌طور کلی نیز تکامل یافته است و ما امروز در یک «دهکده جهانی» زندگی می‌کنیم که با حمل‌ونقل، ارتباطات و رسانه‌های مدرن و بازارها و موسسات بین‌المللی شبکه‌ای به هم متصل شده است. در این محیط، اقدامات اقتصادی هند به پویایی جهانی کمک می‌کند، درحالی‌که اقتصاد ما نیز تحت تأثیر اتفاقات دور از ما قرار می‌گیرد. چارچوب سیاست‌گذاری همراه با عملکرد دولت‌ها باید واقعیت‌های ادغام مستمر ما با سیستم اقتصاد جهانی را در برگیرد.

۵- نقش ایالت‌ها: ایالت‌های هند از ضمیمه‌های صرف مرکز، به محرک‌های واقعی توسعه ملی تبدیل شده‌اند. بنابراین توسعه ایالت‌ها باید به هدف ملی تبدیل شود، زیرا پیشرفت ملت در پیشرفت ایالت‌ها نهفته است.

۶- پارادایم فناوری: پیشرفت‌های فناوری و دسترسی به اطلاعات، انرژی خلاقانه هند را آزاد کرده است. فناوری مناطق و اکوسیستم‌های متنوع هند را در یک اقتصاد و جامعه ملی به هم پیوسته ادغام کرده است و راه‌های جدیدی برای هماهنگی و همکاری باز می‌کنند. فناوری همچنین نقش مهمی در افزایش شفافیت و همچنین کارایی ایفا می‌کند و دولت را بیشتر پاسخگو می‌کند. هند همچنین از نهادهای نظم بین‌المللی لیبرال بهره‌مند می‌شود و از صندوق بین‌المللی و بانک جهانی وام‌هایی برای توسعه دریافت می‌کند و در نهایت در سازمان تجارت جهانی و سایر نهادهای اقتصادی لیبرال عضو می‌شود. این فرآیند به تدریج باعث شکوفایی و رشد اقتصادی هند در مقیاس کلان منجر می‌شود. به‌طور کلی تفاوت این مقاله با تحقیقات دیگر در این است که سعی شده در این مقاله، وضعیت کنونی هند با رویکرد قدرت جامع تحلیل شود و چشم‌انداز ظهور هند به‌عنوان

¹ Singh

قدرت بزرگ با استفاده از چرخه قدرت توصیف شود. همچنین چارچوب روابط نظامی، اقتصادی، امنیتی آمریکا با هند و مشارکت هند در نهادهای نظم لیبرال آمریکا بررسی می‌شود، سپس پیامدهای ظهور هند به‌عنوان قدرت بزرگ در منطقه ایندو_ پاسیفیک بر نظم جهانی آمریکا مورد نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

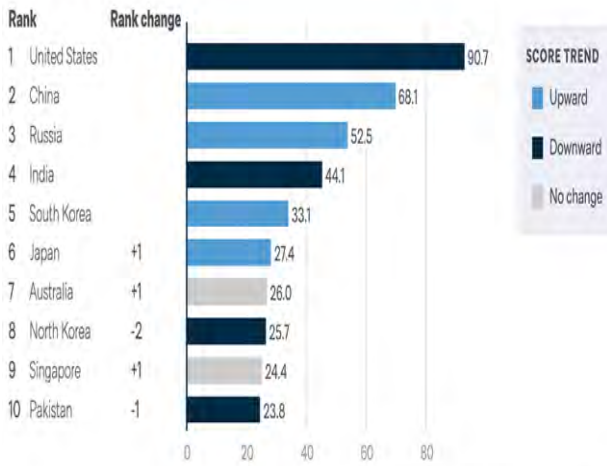
روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر رویکرد توصیفی_ تحلیلی است. هدف محقق در این تحقیقات، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. هدف این‌گونه تحقیق، پاسخ‌گویی پرسش‌های مانند «چقدر»، «چه کسی» و «چه اتفاقی دارد می‌افتد» است (طاهری، ۱۳۸۹: ۱۴۲). به‌طور کلی مطالعات توصیفی، به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود می‌پردازد (احمدی و سعید نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰)؛ اما در تحقیقات توصیفی_ تحلیلی که روش پژوهش این مقاله است محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلال محکمی دارد، این تکیه‌گاه بر اساس جست‌وجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود نظیر قوانین، نظریه‌ها و درباره آن فراهم می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۶۳-۷۱). تحقیقات توصیفی و تحلیلی هر دو نقش مهمی دارند. اولی نشان می‌دهد که داده‌ها چگونه به نظر می‌رسند درحالی که دومی علت و معلول را بررسی می‌کند. تحقیق توصیفی می‌پرسد «چی؟» چیزی را توصیف می‌کند. در همین حال، تحقیقات تحلیلی می‌پرسد «چرا؟» در اینجا سعی در بررسی این سوال می‌شود که چگونه چیزی به وجود آمده است؛ بنابراین در این پژوهش اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند و سپس با روش‌های مختلف استدلال که روش توصیفی- تحلیلی نام دارد مورد تجزیه و تحلیل عقلایی قرار گرفته و نتیجه‌گیری می‌شوند.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۴-۱. ارزیابی کنونی قدرت جامع هند در ایندو_ پاسیفیک

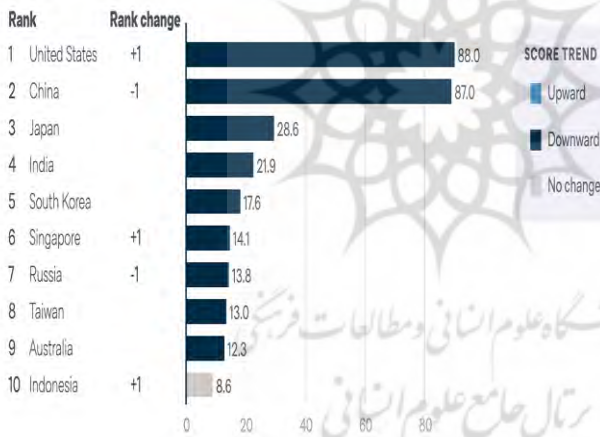
شاخص سالانه قدرت آسیا که توسط موسسه لای در سال ۲۰۱۸ راه‌اندازی شد. منابع و نفوذ را برای رتبه‌بندی قدرت نسبی دولت‌ها در آسیا اندازه‌گیری می‌کند. این پروژه توزیع قدرت موجود را به شکل امروزی ترسیم می‌کند و تغییرات توازن قدرت را در طول زمان دنبال می‌کند. این شاخص ۲۶ کشور را از نظر ظرفیت آنها برای شکل دادن به محیط خارجی خود رتبه‌بندی می‌کند و دامنه آن تا غرب پاکستان، شمال روسیه و تا اقیانوس آرام مانند استرالیا، نیوزیلند و ایالات متحده می‌رسد. این پروژه قدرت بین‌المللی در آسیا را از طریق ۱۳۱ شاخص در هشت معیار موضوعی ارزیابی می‌کند: قابلیت نظامی و شبکه‌های دفاعی، قابلیت‌ها و روابط اقتصادی، نفوذ دیپلماتیک و فرهنگی و همچنین تاب‌آوری و منابع آینده (موسسه لای، ۲۰۲۱: ۳). با این حال، قدرت جامع وضعیت موجود و کنونی یک کشور در نظام بین‌المللی ارزیابی می‌کند و تحلیلی در مورد چشم‌انداز آینده قدرت یک کشور صورت نمی‌دهد. در قدرت جامع مقایسه هند با ۲۶ کشور ایندو_ پاسیفیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

MILITARY CAPABILITY



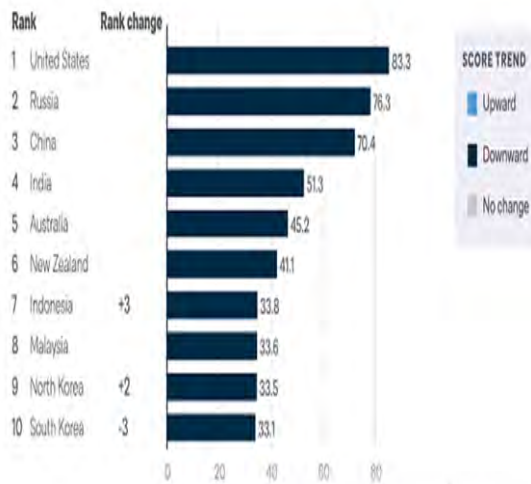
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

ECONOMIC CAPABILITY



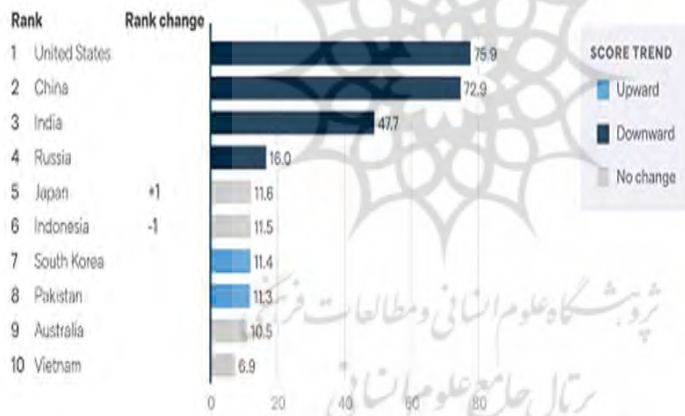
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

RESILIENCE



* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

FUTURE RESOURCES



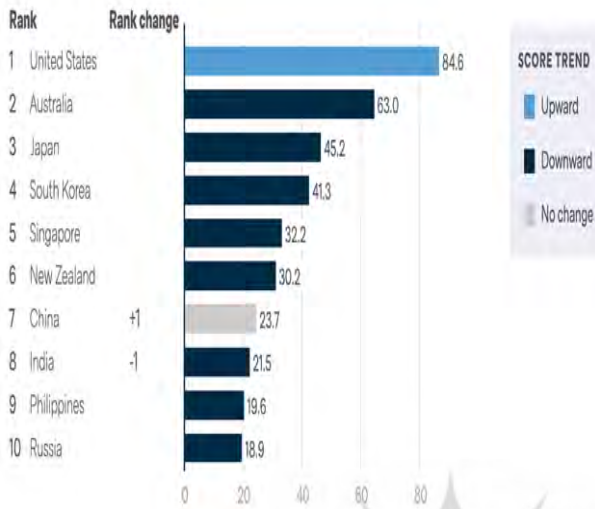
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

نمودار شماره (۲) ارزیابی قابلیت‌های اقتصادی، تاب‌آوری، منابع آینده و قابلیت نظامی هند

منبع: موسسه لای، ۲۰۲۳: ۲۸

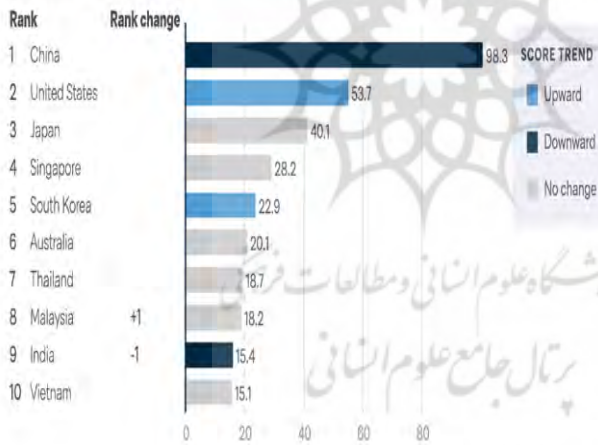
چنانچه از نمودار فوق پیداست، هند در معیارهای تاب‌آوری، قابلیت نظامی و قابلیت اقتصادی در رتبه چهارم در میان ۲۶ کشور منطقه ایندو-پاسیفیک قرار گرفته ولی در منابع آینده در رتبه سوم قرار دارد.

DEFENCE NETWORKS



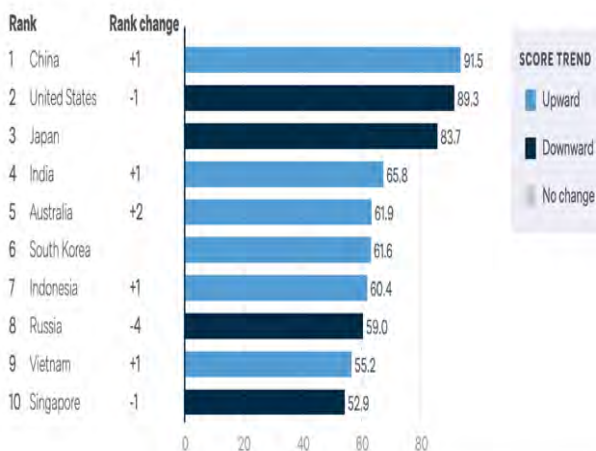
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

ECONOMIC RELATIONSHIPS



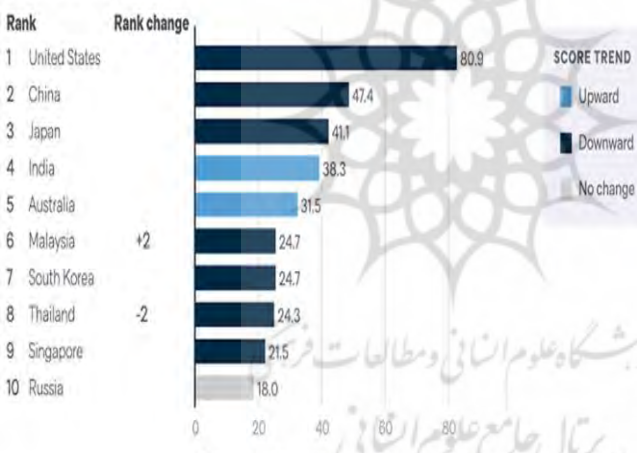
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

DIPLOMATIC INFLUENCE



* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

CULTURAL INFLUENCE



* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

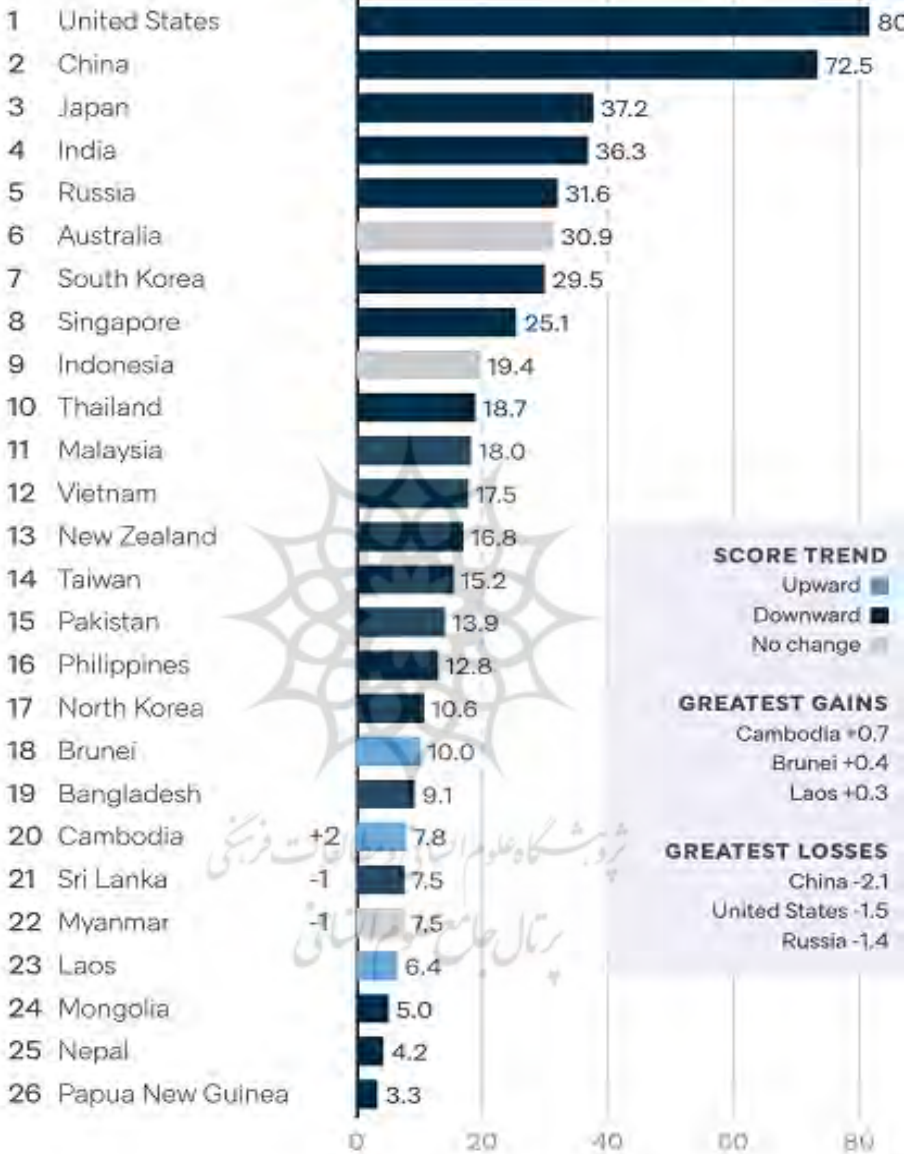
نمودار شماره (۳) اندازه گیری شاخص های شبکه دفاعی، نفوذ دیپلماتیک، روابط اقتصادی، نفوذ فرهنگی هند

منبع: موسسه لای، ۲۰۲۳: ۲۱-۲۸

در این نمودار نیز هند در معیار نفوذ فرهنگی و نفوذ دیپلماتیک در جایگاه چهارم قرار گرفته اما در معیارهای شبکه دفاعی و روابط اقتصادی در جایگاه نامطلوبی قرار گرفته است.

COMPREHENSIVE POWER

Rank



نمودار شماره (۴) قدرت جامع کشورها در آسیا و اقیانوس هند_ آرام (میانگین ۸ معیار)

منبع: موسسه لای، ۲۰۲۳: ۶

جدول شماره (۳) قدرت جامع کشورها در آسیا و اقیانوس هند_آرام (میانگین ۸ معیار)

COMPREHENSIVE POWER

Rank	Country/Territory	Score	Trend
1	United States	80.7	↘
2	China	72.5	↘
Superpowers ≥ 70 points			
3	Japan	37.2	↘
4	India	36.3	↘
5	Russia	31.6	↘
6	Australia	30.9	↘
7	South Korea	29.5	↘
8	Singapore	25.1	↘
9	Indonesia	19.4	↘
10	Thailand	18.7	↘
Middle powers ≥ 10 points			
11	Malaysia	18.0	↘
12	Vietnam	17.5	↘
13	New Zealand	16.8	↘
14	Taiwan	15.2	↘
15	Pakistan	13.9	↘
16	Philippines	12.8	↘
17	North Korea	10.6	↘
18	Brunei*	10.0	↗
19	Bangladesh	9.1	↘
20 +2	Cambodia	7.8	↗
21 -1	Sri Lanka	7.5	↘
22 -1	Myanmar	7.5	↘
Minor powers < 10 points			
23	Laos	6.4	↘
24	Mongolia	5.0	↘
25	Nepal	4.2	↘
26	Papua New Guinea	3.3	↘

GREATEST GAINS

Cambodia +0.7
Brunei +0.4
Laos +0.3

GREATEST LOSSES

China -2.1
United States -1.5
Russia -1.4

*Brunei is classified as a minor power as its unrounded score is 9.96

Trend arrows track annual changes in scores above a minimum absolute change (threshold ≥ 0.15)

منبع: موسسه لای، ۲۰۲۳: ۷

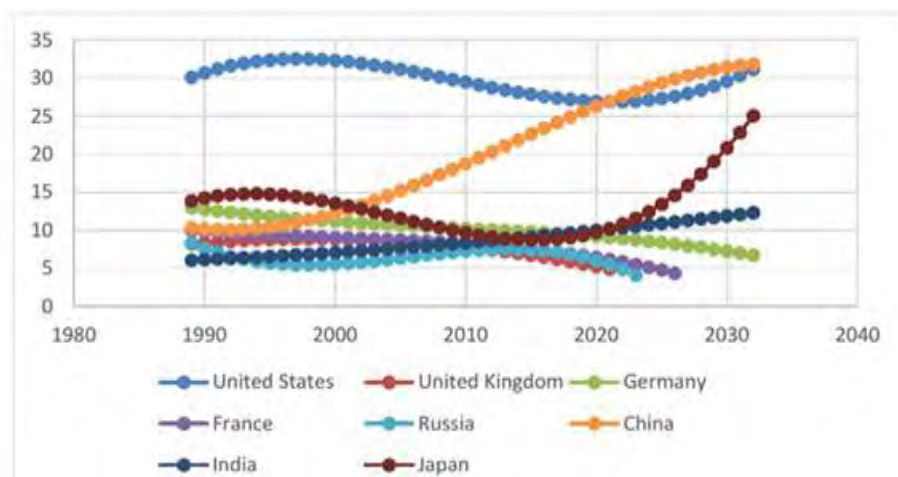
همانطور که مشاهده می شود، هند با کمی اختلاف نسبت به ژاپن در جایگاه چهارم قدرت جامع ایستاده است اما بالاتر از روسیه و استرالیا قرار گرفته است و به همراه ژاپن و روسیه به عنوان قدرت متوسط در منطقه ایندو-پاسیفیک قرار دارد. در این رده بندی چین و آمریکا به عنوان قدرتهای بزرگ محسوب می شوند. وزن و نفوذ نسبی هند در سه دهه گذشته در حال افزایش بوده است. با این حال، هند قطعاً به مقام قدرت بزرگ دست نیافته است. اگرچه این کشور تسلیحات هسته ای و موشک های بالستیک میان برد را در اختیار دارد، اما همچنان

فاقد قابلیت حمله جهانی و همچنین قابلیت‌های قدرت فرامنطقه‌ای جدی است. این کشور به طور قاطع بر منطقه خود تسلط ندارد و از نظر توازن اقتصادی یا نظامی، یک قدرت شکل دهنده نیست. هند نه یکی از قدرت‌های بزرگ است و نه قدرت‌های کوچک؛ بنابراین، هند یک قدرت در حال رشد است یک قدرت متوسط در حال حرکت در سلسله مراتب قدرت جهانی. هند را می‌توان با در نظر گرفتن اندازه، مساحت، جمعیت، تولید ناخالص داخلی و نیروهای مسلح در مقابل همسایگانش، یک قدرت منطقه‌ای در جنوب آسیا نامید (کوکرجا، ۲۰۲۰: ۹).

۴-۲. چشم‌انداز ظهور هند به عنوان یک قدرت بزرگ در چرخه قدرت

در چرخه قدرت مقایسه میان هند و قدرت‌های جهانی بررسی می‌شود و چشم‌انداز آینده قدرت هند در این چرخه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر همین اساس، دوران و پارسونز^۱ تعریف حداقلی از چرخه قدرت را به‌عنوان «دوره زمانی که در طی آن چیزی برقرار می‌شود، به اوج می‌رسد و کاهش می‌یابد» به کار می‌گیرد. توسعه سیاسی قدرت بزرگ در این مفهوم چرخه‌ای آشکار است. با افزایش نسبت قدرت به دیگران، ظرفیت آن برای اعمال رهبری افزایش می‌یابد و با کاهش قدرت، ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست بین‌الملل کاهش می‌یابد. در این تئوری، همه دولت‌ها در معرض چرخه کامل رشد، بلوغ و زوال هستند (دوران و پارسونز، ۱۹۸۰: ۹۴۷). توضیح دیگری برای تضاد بین‌المللی توسط نظریه چرخه قدرت ارائه شده است. منحنی‌های چرخه قدرت با در نظر گرفتن قابلیت‌های مادی دولت‌ها نسبت به رقبای همتای خود، ظهور و سقوط دولت‌ها را در طول زمان ردیابی می‌کنند (کیسان، ۲۰۰۸: ۱۳). تئوری چرخه قدرت می‌تواند در سیستم‌های جهانی، منطقه‌ای و جغرافیایی محلی به کار گرفته شود. شناسایی سیستم اولین قدم مهم با توجه به ارزیابی‌های توان نسبی است که نظریه چرخه قدرت به کار می‌گیرد. تنها زمانی که سیستم، بازیگران و دوره‌هایی که بازیگران در داخل سیستم فعال هستند مشخص شود، می‌توان تحلیل چرخه قدرت را ادامه داد. بر همین اساس، جمشیدی و یزدان‌شناس با استفاده از شاخص، تولید ناخالص داخلی، شاخص جمعیت، شاخص مصرف انرژی، شاخص سرانه مصرف انرژی، شاخص هزینه نظامی، شاخص سرانه هزینه نظامی، شاخص ارزش صادرات، به ترسیم سیکل قدرت آمریکا در مقایسه با قدرت‌های جهانی پرداخته‌اند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا در سیکل قدرت به تدریج در عرصه جهانی با افول نسبی مواجه می‌شود.

^۱ Doran and Parsons



نمودار شماره (۵) سیکل قدرت هند در مقایسه با قدرت‌های بزرگ

منبع: یزدانشناس و جمشیدی، ۱۳۹۹: ۷۸

در نمودار شماره (۵) نیز با استفاده از شاخص‌های موردنظر، هند نسبت به کشورهای آلمان، روسیه، فرانسه و بریتانیا دارای روند صعودی تری است. از سویی دیگر، میلر و هایم نیز نگرش جدیدی در چرخه قدرت ایجاد کرده‌اند و به‌جای شاخص‌های سنتی و قدیمی قدرت بر شاخص‌های عصر فناوری و اطلاعات تمرکز کرده‌اند. برای پاسخ به چالش اندازه‌گیری قدرت در عصر فراصنعتی یا اطلاعات، محققان روش‌های جدیدی را برای اندازه‌گیری قدرت جهانی ایجاد کرده‌اند که اقدامات عصر صنعتی را گسترش می‌دهد، یکی از این معیارها، شاخص جهانی قدرت عصر فناوری و اطلاعات (GPI) است که تحت نظارت شورای اطلاعات ملی (NIC^۲) برخلاف شاخص‌های عصر صنعتی مانند شاخص‌های سنتی، توسعه‌یافته است. شاخص‌های عصر فناوری و اطلاعات در چرخه قدرت مطابق نمودار شماره (۷) شامل؛ تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان عاملی در ظرفیت نظامی یک دولت، تجارت به‌عنوان عاملی در ظرفیت اقتصادی یک دولت، هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D^۳) به‌عنوان معیاری برای ظرفیت فناوری تعیین می‌شود، درآمدهای دولت به‌عنوان معیار ظرفیت سیاسی و جمعیت در سن کار (به‌جای کل جمعیت) به‌عنوان معیار ظرفیت کار تعریف شده اند (هایم و میلر^۴، ۲۰۲۰: ۵). هایم و میلر با داده‌های خود در چرخه قدرت نشان داده‌اند آمریکا در توازن قدرت نسبت به رقیبان خود به‌ویژه چین و هند در عرصه جهانی تنزل می‌کند و هند نسبت به دیگر قدرت‌های جهانی در چرخه قدرت دارای روند صعودی تری است.

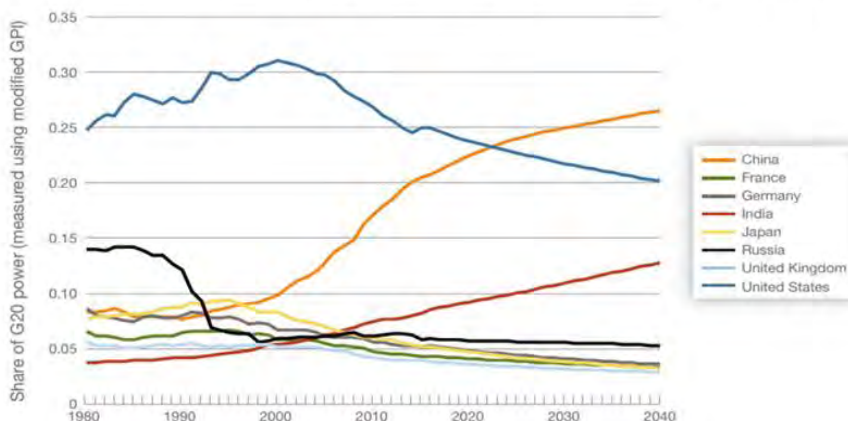
¹ Global Power Index

² National Intelligence Council

³ Research and Development

⁴ Heim & Miller

FIGURE 12
Balance of Power (Measured Using Modified GPI) in Baseline Scenario (1980–2040)



نمودار شماره (۶) شاخص‌های عصر فناوری و اطلاعات در چرخه قدرت

منبع: هایم و میلر، ۲۰۲۰: ۲۱

در چرخه قدرت، یک دولت بزرگ دستاوردهای مطلق را می‌بیند که بسیار بیشتر از سود مطلق یک دولت کوچکتر با رشد سریعتر است؛ اما دولت کوچک در حال افزایش سهم نسبی خود است و دولت بزرگتر را به سمت نزول نسبی می‌کشاند (دوران، ۲۰۰۳: ۲۱). روند چرخه قدرت نیز، در سال‌های ۲۰۰۰–۲۰۳۰، اول، ظهور قدرت‌های آسیایی و دوم، کاهش مداوم قدرت نسبی آمریکا را نشان می‌دهد (کیسان، ۲۰۰۵: ۱۱۶). یک نظم ایدئولوژیک نیز می‌تواند از این نظر به پایان برسد. قدرت‌های بزرگ جدیدی ممکن است ظهور کنند که تک‌قطبی را تضعیف کرده و به یک سیستم دوقطبی یا چندقطبی منجر شود. در آن صورت نظم ایدئولوژیک جای خود را به نظم‌های محدود و واقع‌گرای بین‌المللی خواهد داد (مرشایمر^۱، ۲۰۱۹: ۱۸).

توسعه سیاسی قدرت بزرگ در این مفهوم چرخه قدرت آشکار است. با به دست آوردن قدرت نسبت به دیگران، ظرفیت آن برای اعمال رهبری افزایش می‌یابد. با عقب افتادن، ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست بین‌الملل کاهش می‌یابد (دوران و پارسونز، ۱۹۸۰: ۹۴۷). امروزه این دولت کوچکتر که از نظر تولید ناخالص داخلی و نظامی اندازه‌گیری می‌شود، هند است. هند در حال در دست گرفتن سهم قدرت، از کشور بزرگتر در حال رشد، یعنی چین است و باعث می‌شود که آن را تغییر داده و در نهایت به اوج خود برسد. هند احتمالاً تا پایان قرن دارای جمعیتی حتی بیشتر از چین خواهد بود و بنابراین، نیروی کار و بازار بیشتری خواهد داشت. هند به‌طور فزاینده‌ای سهم قدرت را از چین رو به رشد حذف خواهد کرد و باعث می‌شود چین از اولین نقطه عطف عبور کند که در آن افزایش شتابان طولانی مدت آن به‌طور ناگهانی به یک افزایش آهسته‌تر تغییر می‌کند (دوران، ۲۰۱۲: ۸۰). کشورهایمانند چین و هند در چرخه قدرت خود سریع‌تر رشد می‌کنند و تأثیر بین‌المللی گسترده‌تری بر سیاست جهانی نسبت به روسیه دارند (دوران، ۲۰۱۵: ۹۹). هزینه نظامی هند با ۸۱/۴ میلیارد دلار، چهارمین هزینه

^۱ Mearsheimer

نظامی در جهان است که ۶ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ بود (سیپری^۱، ۲۰۲۳: ۲). همزمان با رشد اقتصادی هند و با توجه با تحریم‌های جهانی علیه اقتصاد روسیه، انتظار می‌رود هند در سال‌های آینده جایگاه سوم هزینه‌های دفاعی جهان را بدست آورد.

جدول شماره (۴) کشورهای دارای بیشترین هزینه‌های نظامی

Rank			Spending (\$ b.), 2022	Change (%)		Spending as a share of GDP (%) ^b		World share (%), 2022	
	2022	2021 ^a		2021-22	2013-22	2022	2013		
1	1	United States	877		0.7	2.7	3.5	4.0	39
2	2	China	[292]		4.2	63	[1.6]	[1.7]	[1.3]
3	5	Russia	[86.4]		9.2	15	[4.1]	[3.9]	[3.9]
4	3	India	81.4		6.0	47	2.4	2.5	3.6
5	8	Saudi Arabia	[75.0]		16	-2.7	[7.4]	[9.0]	[3.3]
Subtotal top 5			1 412		63
6	4	United Kingdom	68.5		3.7	9.7	2.2	2.3	3.1
7	7	Germany	55.8		2.3	33	1.4	1.2	2.5
8	6	France	53.6		0.6	15	1.9	1.8	2.4
9	10	South Korea	46.4		-2.5	37	2.7	2.1	2.1
10	9	Japan	46.0		5.9	18	1.1	0.9	2.1
Subtotal top 10			1 682		75
11	36	Ukraine	44.0		640	1 661	[34]	1.6	2.0
12	11	Italy	33.5		-4.5	24	1.7	1.4	1.5
13	12	Australia	32.3		0.3	47	1.9	1.6	1.4
14	13	Canada	26.9		3.0	49	1.2	1.0	1.2
15	14	Israel	23.4		-4.2	26	4.5	5.5	1.0

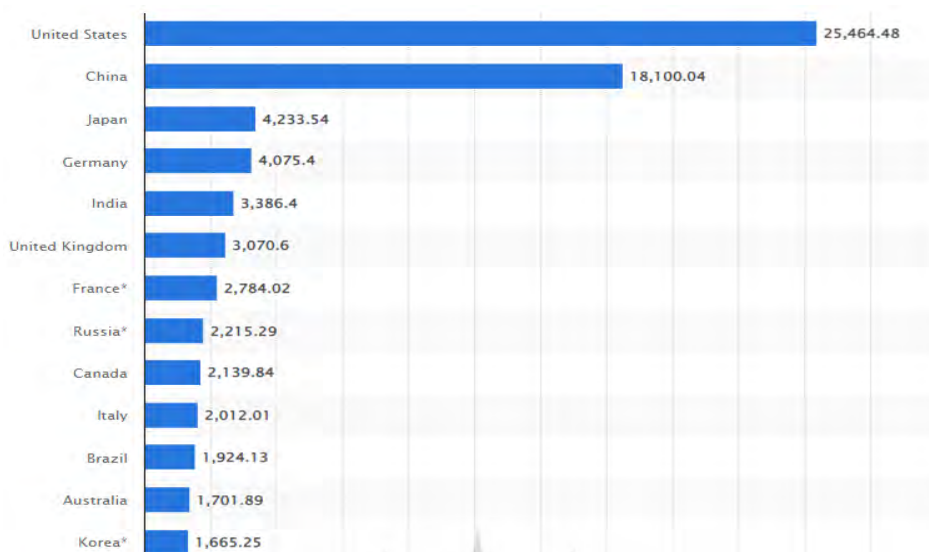
منبع: سیپری، ۲۰۲۳: ۲

چین و هند تا سال ۲۰۳۰، برتری اقتصادی جهانی خود را دوباره به دست خواهند آورد. هر دو کشور دارای نیروی انسانی عظیم، پایگاه‌های علمی، صنعتی و فناوری و همچنین نیروهای مسلح بزرگ هستند. آن‌ها هر دو قدرت هسته‌ای هستند و برنامه‌های فضایی نوپایی دارند. از لحاظ تاریخی، چین و هند توانایی و اراده خود را برای عمل به عنوان هژمون و تسلط بر محیط امنیتی مناطق خود نشان داده‌اند (رایان^۲، ۲۰۱۱: ۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Sipri

² Rayan



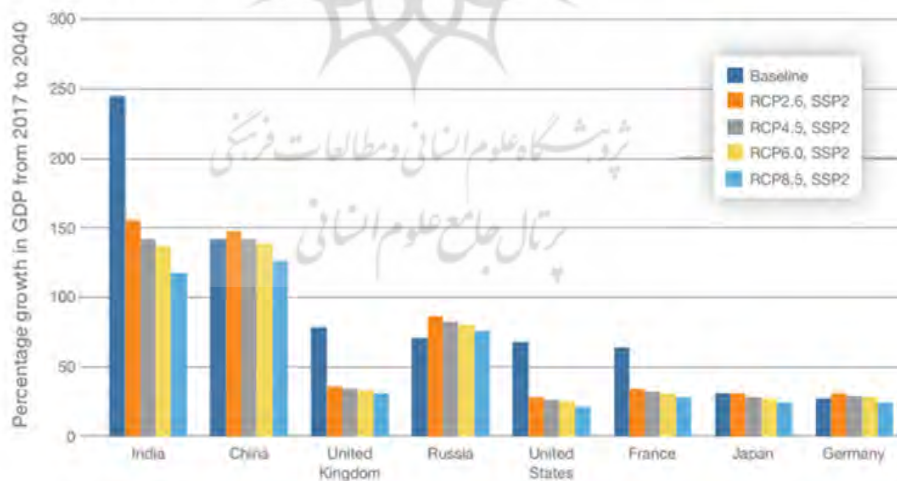
نمودار شماره (۷) کشورها دارای بیشترین تولید ناخالص داخلی، ۲۰۲۲ (میلیارد دلار آمریکا)

منبع: استاتینستا^۱، ۲۰۲۳

مطابق نمودار شماره (۷) اقتصاد هند در سال ۲۰۲۲ پنجمین اقتصاد بزرگ جهان بود (تولید ناخالص داخلی). پیش بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۳ رشد ۶/۱ درصدی داشته باشد (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۳: ۱).

FIGURE 21

GDP Growth from 2017 to 2040



نمودار شماره (۸) تولید ناخالص داخلی هند تا سال ۲۰۴۰

منبع: هایم و میلر، ۲۰۲۰: ۲۱

¹Statista

همان‌طور که نمودار شماره (۸) نشان داده، تولید ناخالص داخلی هند تا سال ۲۰۴۰ بیشتر از آمریکا و چین خواهد بود و آمریکا حتی پایین‌تر از بریتانیا و روسیه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی چشم‌انداز چرخه قدرت نشان می‌دهد که هند در سال‌های آینده به عنوان یک قدرت بزرگ مطرح می‌شود و به تدریج آمریکا در عرصه بین‌المللی افول می‌کند و صعود هند به جایگاه قدرت بزرگ در بلندمدت اتفاق می‌افتد.

۴-۳. ظهور هند و چالش‌های پیش رو در رابطه با آمریکا

همان‌طور که نمودار چرخه قدرت و قدرت جامع نشان می‌دهد، هند به‌طور پیوسته در حال کسب قدرت است و در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در تمام آسیا است. درحالی‌که چین از نظر قدرت جمعیتی و در نهایت قدرت اقتصادی کاهش جزئی را آغاز کرده است، هند همچنان از نظر جمعیتی و اقتصادی در حال افزایش است. (دیویس و اسلوبودچیکوف^۱، ۲۰۲۲). نفوذ هند در جهان در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. دولت دهلی اکنون آرزوهای بزرگی برای تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی دارد. دلیل اصلی اهمیت بیشتر آن، رشد اقتصادی خارق‌العاده آن است که با برخی نوسانات، از اواخر دهه ۲۰۰۰ به طور متوسط سالانه بیش از ۷ درصد بوده است. هند با رشد ۸/۷ درصدی در سال ۲۰۲۱ به پنجمین قدرت اقتصادی بزرگ جهان پس از آمریکا، چین، ژاپن و آلمان تبدیل شده است (ولف^۲، ۲۰۲۳: ۱). در مورد هند باید سیاست خارجی آن در ارتباط با آمریکا، محیط منطقه‌ای و جهانی بررسی شود تا جهت‌گیری آن در مورد نظم جهانی آمریکا مشخص شود.

۴-۳-۱. سیاست خارجی مبتنی بر استقلال استراتژیک و چندجانبه گرایی

در دوران پس از جنگ سرد، سیاست خارجی هند از سیاست عدم تعهد (سیاست بی‌طرفی با بلوک‌های ایالات‌متحده و اتحاد جماهیر شوروی) به سیاست چند تعهدی (هند تقریباً با تمام قدرت‌های بزرگ روابط دوستانه دارد و درحال توسعه است) حرکت کرده است. چند صفت‌بندی جهان ماهیت اصلی سیاست خارجی هند و سیاست اقتصادی هند امروز است. این فرصتی را برای هند فراهم می‌کند تا به یک میانجی جهانی تبدیل شود و به توسعه چارچوبی در زمینه مسائل جهانی کمک کند. هند به طور منحصر به فردی در سیاست جهانی قرار دارد تا نقش رهبری را در چارچوب یک نظم جهانی چندجانبه جدید به عهده بگیرد. تعهد دیرینه هند به چندجانبه گرایی می‌تواند در درخواست اصلاحات سیستم سازمان ملل متحد منعکس شود (دریشتی، ۲۰۲۰: ۲-۴).

هند صرفاً از گرفتن جانب غرب به عنوان یک امر مسلم خودداری می‌کند. در عوض، دولت دهلی اتحادیه‌های متعددی را در ذهن دارد مفهومی که کاملاً با سنت عدم تعهد هند مطابقت دارد. این کشور نمی‌خواهد به طور کامل به اردوگاه ایالات‌متحده بپیوندد، اگرچه هند در کنار ایالات‌متحده، استرالیا و ژاپن عضو گفتگوی چهارجانبه امنیتی^۳ (کوآد) است، اما در رأی‌گیری‌های سازمان ملل متحد که جنگ تجاوزکارانه روسیه را محکوم کرد،

¹ Davis and Slobodchikoff

² Wulf

³ QUAD

تسلیم فشار آمریکا و اروپا نشد، اما در عوض از رأی دادن بر ضد روسیه خودداری کرد و رای ممتنع داد. روابط اقتصادی خوب هند با روسیه نه پنهانی و نه پشیمانانه حفظ می‌شود. این کشور چندین دهه است که فناوری تسلیحاتی را از روسیه وارد می‌کند و همچنان به همکاری مسکو متکی است. در جریان جنگ اوکراین، هند واردات نفت خود از روسیه را باقیمت‌های پایین خریداری می‌کرد افزایش داد. مفهوم ائتلاف‌های متعدد حفظ ارتباطات خوب با واشنگتن و بروکسل و همچنین مسکو به دهلی اجازه می‌دهد تا به عنوان یک میانجی عمل کند (ولف، ۲۰۲۳: ۲).

در منطقه آسیا و اقیانوسیه است که هند می‌تواند تفاوت چشمگیری در تعادل قاره ایجاد کند. گرچه هند احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ به یک‌قطب واقعی تبدیل خواهد شد، اما اساساً یک قدرت متعادل‌کننده و به عنوان یک دولت در حال چرخش باقی خواهد ماند تا یک قدرت بزرگ که بتواند در برابر رقیب بزرگی مانند چین ایستادگی کند یا سیستم بین‌المللی را به نفع خود در مواجهه با مخالفت‌های احتمالی تعریف کند (تلیس^۱، ۲۰۱۶: ۵). بر همین اساس، یکی چالش‌های مهم سیاست خارجی هند، ایجاد توازن در روابط متخاصم قدرت‌های بزرگ است. خودمختاری استراتژیک هند مانع از پیوستن دهلی‌نو به هر اتحاد نظامی یا مشارکت استراتژیک که با کشور یا گروهی از کشورها خصمانه است، می‌شود. به طور سنتی، غرب هند را نزدیک‌تر به اتحاد جماهیر شوروی/ روسیه می‌دانست. این ادراکات با مشارکت فعال هند در انجمن شانگهای^۲، بریکس^۳ و سه جانبه^۴ برجسته می‌شود. معضلات امنیتی که به‌ویژه از تهدیدهای ترکیبی پاکستان و چین ناشی می‌شوند، این امر را بر هند واجب می‌سازد تا به تعادل خارجی در اقیانوس هند و اقیانوس آرام متوسل شود تا چین مدعی را متعادل کند. مشارکت هند در چهارجانبه^۵، امضای قراردادهای اساسی با ایالات‌متحده، ژاپن، فرانسه، بریتانیا و اندونزی را باید از این منظر دید (شارما^۶، ۲۰۲۲). خودمختاری استراتژیک هند، سیاست اول همسایگی و برنامه واکسن مایتری این کشور را قادر ساخته تا دایره دوستان خود را گسترش دهد و به عنوان یک قدرت معتبر ظاهر شود (چینوی^۷، ۲۰۲۲: ۱۵). بنابراین؛ سیاست خارجی هند بر چندجانبه گرایی، متعادل‌سازی قدرت‌های بزرگ در ایندو-پاسیفیک و چندقطبی بودن تاکید دارد. بنابراین به اتحادهای نظامی رسمی در منطقه نمی‌پیوندد و بر استقلال استراتژیک تاکید دارد؛ اما در سال‌های اخیر افزایش روابط هند و آمریکا به معنی پیوستن به جانب غرب و آمریکا نیست بلکه؛ هند نیز روابط اقتصادی و نظامی خود را با مسکو حفظ کرده است و افزایش روابط با آمریکا را برای متعادل‌سازی چین در ایندو-پاسیفیک لازم می‌داند.

¹ Telis

² Shanghai Cooperation Organization

³ BRICS

^۴ سه جانبه روسیه، هند و چین (RAC) یک گروه استراتژیک است که برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ تحت رهبری یوگنی پریماکوف، یک سیاستمدار روسی به عنوان "موازنه ای برای اتحاد غرب" شکل گرفت و در حال حاضر نیز ادامه دارد.

^۵ Quad (شامل کشورهای آمریکا، هند، استرالیا و ژاپن است که در آن به گفتگوی امنیتی می‌پردازند)

⁶ Sharma

⁷ Chinoy

۴-۳-۲. روند روابط هند و آمریکا

از زمان استقلال هند، روابط با ایالات متحده، بی‌اعتمادی و بیگانگی دوران جنگ سرد در مورد برنامه هسته‌ای هند را از بین برده است. روابط در سال‌های اخیر گرم شده و همکاری‌ها در طیف وسیعی از زمینه‌های اقتصادی و سیاسی تقویت شده است (سی اف آر^۱، ۲۰۲۳). ایالات متحده از اوایل دهه ۲۰۰۰ از هند به‌عنوان یک شریک استراتژیک استقبال کرده است و از استراتژی بزرگ هند برای توسعه قابلیت‌های قدرت سخت و درعین‌حال پرداختن به تهدیدات منطقه‌ای و در نهایت دستیابی به موقعیت قدرت بزرگ حمایت می‌کند. در مقابل، هند از هدف اساسی واشنگتن برای تامین امنیت منطقه هند - اقیانوس آرام حمایت کرده است. اگرچه چالش‌های مهمی در مدیریت روابط ایالات متحده و هند باقی‌مانده است، ریاست‌جمهوری ترامپ به طور متعادل به نفع استراتژی بزرگ هند بوده است (موکرژی، ۲۰۲۰: ۴۲۰). ابتکار مودی^۲ برای تعمیق مشارکت با واشنگتن بسیار مهم است. این امر مستلزم این است که ایالات متحده مهم‌ترین کلیدهای موفقیت بلندمدت هند را خارج از سیاست‌های داخلی خود در دست دارد؛ به عنوان میزبانی برای نیروی کار ماهر هند؛ به‌عنوان منبع سرمایه، فناوری و تخصص و به عنوان نقطه اتکای حمایت استراتژیک از جاه‌طلبی‌های جهانی هند (تلیس، ۲۰۱۶: ۹). در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده و هند چارچوب جدید روابط دفاعی ایالات متحده و هند را امضا می‌کنند که اولویت‌ها را برای همکاری دفاعی در امنیت دریایی، کمک‌های بشردوستانه/امدادرسانی در بلایا و مبارزه با تروریسم تعیین می‌کند. در ماه اکتبر، ۲۰۰۵، دو کشور بزرگترین رزمایش دریایی تا به امروز را انجام دادند و پس‌از آن رزمایش‌های بزرگ هوایی و زمینی برگزار کردند. در جریان دیدار نهایی نخست‌وزیر مودی و پرزیدنت اوباما در کاخ سفید در سال ۲۰۱۶، ایالات متحده، هند را به یک شریک دفاعی اصلی تبدیل می‌کند، وضعیتی که هیچ کشور دیگری ندارد. گسترش قرارداد دفاعی ده‌ساله که در سال ۲۰۱۵ تمدید شد، این نامگذاری که در آگوست ۲۰۱۸ به قانون تبدیل شد، به این معنی است که هند از برخی از مزایای متحد بودن در پیمان ایالات متحده، مانند دسترسی به فناوری دفاعی برخوردار خواهد بود، دو ماه بعد، ایالات متحده و هند پس از نزدیک به یک دهه مذاکره، توافقنامه همکاری نظامی عمیق‌تر را امضا کردند (سی اف آر، ۲۰۲۳).

در دولت ترامپ، روابط دوجانبه به سرعت شتاب گرفت دو کشور تمرینات مشترکی را انجام دادند، سه توافقنامه دفاعی را امضا کردند، گفتگوی استراتژیک ۲+۲ را آغاز کردند و هند به طیف گسترده‌تری از فناوری‌های آمریکایی دسترسی پیدا کرد (میلر^۳، ۲۰۲۲). مشارکت استراتژیک ایالات متحده و هند بر اساس ارزش‌های مشترک از جمله تعهد به دموکراسی و حمایت از سیستم بین‌المللی مبتنی بر قوانین استوار است. ایالات متحده و هند منافع مشترکی در ارتقای امنیت جهانی، ثبات و شکوفایی اقتصادی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری و اتصال روابط دارند. بایدن و نخست‌وزیر مودی دو دیدار دوجانبه حضوری برگزار کرده‌اند که طی آن آنها تعهد خود را به نظم بین‌المللی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر قوانین که حافظ حاکمیت و تمامیت ارضی، حمایت از ارزش‌های دموکراتیک و ترویج صلح و رفاه برای همه است، مجدداً تأیید کردند. پرزیدنت بایدن و نخست‌وزیر مودی

¹ Council on Foreign Relations(CFR)

² Narendra Damodardas Modi

³ Miller

همچنین در تعاملات متعدد سازوکار چهار رهبر با ژاپن و استرالیا شرکت کرده‌اند. ایالات‌متحده از ظهور هند به عنوان یک قدرت جهانی پیشرو و یک شریک حیاتی در تلاش برای حفاظت از هند و اقیانوس آرام به عنوان منطقه‌ای با صلح، ثبات و رفاه رو به رشد حمایت می‌کند. در سال ۲۰۲۱، تجارت دوجانبه ایالات‌متحده و هند در کالاها و خدمات به رکورد ۱۵۷ میلیارد دلار رسید. ایالات‌متحده بزرگترین شریک تجاری هند و مهم‌ترین بازار صادراتی هند است. بسیاری از شرکت‌های آمریکایی هند را به عنوان یک بازار مهم می‌بینند و فعالیت‌های خود را در آنجا گسترش داده‌اند. به همین ترتیب، شرکت‌های هندی به دنبال افزایش حضور خود در بازارهای ایالات‌متحده هستند و در پایان سال ۲۰۲۰، سرمایه‌گذاری هند در ایالات‌متحده بالغ بر ۱۲/۷ میلیارد دلار بود که بیش از ۷۰۰۰۰ شغل آمریکایی را پشتیبانی می‌کرد. نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ دانشجوی هندی در ایالات‌متحده سالانه ۷/۷ میلیارد دلار به اقتصاد ایالات‌متحده کمک می‌کنند (وزارت امور خارجه آمریکا، ۲۰۲۲).

آمریکا پنج دلیل کلیدی برای ترویج ظهور استراتژیک هند دارد. اولاً، ظهور هند در منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند از موقعیت آمریکا در موازنه قدرت جهانی نمی‌کاهد، به خصوص که هند تلاش نمی‌کند دسترسی ایالات‌متحده را به این منطقه قطع کند. ثانیاً، چنین استراتژی به ایالات‌متحده اجازه می‌دهد تا هند رو به رشدی را در نظم بین‌المللی ایجادشده و رهبری شده توسط ایالات‌متحده با بخشیدن سهم هند در آن ادغام کند، یعنی رهبری منطقه‌ای که هند برای چندین دهه آرزوی آن را داشته است. سوم، ارائه این موقعیت به هند به ایالات‌متحده این امکان را می‌دهد که منابع خود را به‌جای تلاش برای منحرف کردن منابع به منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند، بر حفظ تعادل مطلوب قدرت در شرق آسیا، منطقه‌ای که آمریکا دو متحد مهم دارد، متمرکز کند. چهارم، با دادن سهمی به هند در نظم جهانی آمریکا، ایالات‌متحده قادر خواهد بود حتی در غیاب اتحاد رسمی بین کشورها، انتخاب‌های هند را شکل دهد. پنجم و درنهایت، خوشبختی نوظهور ایالات‌متحده و هند باعث ایجاد عدم اطمینان در چین خواهد شد، به‌خصوص که هند به‌عنوان سومین کشور بزرگ اقتصاد جهانی در دهه آینده پس از چین و ایالات‌متحده ظاهر می‌شود (پاردهسی^۲، ۲۰۱۷: ۵). با این حال، موقعیت هند بسیار پیچیده است زیرا؛ باید خطوط رقابت بالقوه مخرب چین و ایالات‌متحده را مدیریت کند، دقیقاً به همان روشی که مجبور بود در رقابت اصلی بین ایالات‌متحده و روسیه حرکت کند. اگرچه روابط نظامی، سیاسی و اقتصادی هند با آمریکا افزایش‌یافته ولی دهلی‌نو تمایلی برای تبدیل شدن به یک متحد رسمی غرب و آمریکا نشان نمی‌دهد، ولی در سال‌های اخیر ترجیح می‌دهد همکاری خود را با آمریکا در جهت مقابله با نفوذ فزاینده چین افزایش دهد.

۴-۳-۳. افزایش همکاری با آمریکا در جهت مقابله با نفوذ فزاینده چین

ایالات‌متحده در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲ از چین به عنوان بزرگترین شریک تجاری هند پیشی گرفت. از این رو مشاهده می‌شود که تلاش برای به حاشیه راندن چین ادامه دارد (یاکوب^۳، ۲۰۲۲). همکاری عمیق بین هند و

¹ U.S Department of state

² Pardesi

³ Jacob

ایالات متحده یک پویایی قدرت قوی در منطقه هند و اقیانوس آرام ایجاد کرد تا چین را کنترل کند (رانجان^۱، ۲۰۲۲). هند، تحت دولت نخست‌وزیر نارندرا مودی، محکم در اردوگاه ایالات متحده حضور داشته و در احیای چهارگانه و امضای سه توافقنامه دفاعی اساسی با ایالات متحده شرکت کرده است. این اقدامات نشان می‌دهد که هند به شدت با تمرکز ایالات متحده بر مهار چین موافق است (رادهاکریشنان^۲، ۲۰۲۲). چین می‌خواهد نظم جهانی موجود و نهادهایش مانند سازمان ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت، سازمان تجارت جهانی و مواردی از این قبیل را به‌گونه‌ای تغییر دهد که با اهداف خود مطابقت داشته باشد. بانک زیرساخت و سرمایه‌گذاری آسیایی (AIIB) و بانک توسعه جدید در این راستا قابل ارزیابی است (چینی، ۲۰۲۲: ۱۰).

افزایش نفوذ چین در سراسر جهان، از جمله در همسایگی هند، پیامد اجتناب‌ناپذیر قدرت فزاینده این کشور در اقتصاد و سیاست جهانی است. استراتژی «یک کمربند و یک جاده» اما اکنون به طور فزاینده‌ای بحث‌برانگیز شده و هدف آن گسترش دامنه جهانی چین است. چین در سال‌های اخیر قاطعانه عمل کرده و جزایری را در دریای چین جنوبی می‌سازد و یک معماری بین‌المللی ایجاد می‌کند که جایگزینی بالقوه برای مؤسسات برتون وودز ارائه می‌کند. چین به وضوح به عنوان یک چالش بلندمدت جدید ظاهر شده بود و شبکه متراکم منافع ایالات متحده در آسیا را تهدید می‌کرد. در سال‌های اخیر، نگرانی فزاینده‌ای در این کشور در مورد تلاش‌های چین برای ایجاد روابط نزدیک‌تر سیاسی و اقتصادی با همسایگان هند با هدف محاصره هند وجود داشته است. برای مقابله با چین، هند به دنبال مشارکت استراتژیک نزدیک با ایالات متحده آمریکا و متحدان و شرکای اصلی آن در آسیا-اقیانوسیه با حفظ استقلال استراتژیک خود است (کوکرجا، ۲۰۲۰: ۱۳)؛ بنابراین، چین یکی دیگر از چالش‌های مهم برای ایالات متحده نیز عامل مهمی در روابط دوجانبه با هند است و رایزنی‌ها با وزارت خارجه آمریکا در آسیای شرقی نقاط مشترک زیادی را در مورد چین نشان داد. روابط آمریکا و چین شاید در پایین‌ترین سطح خود در دو دهه اخیر قرار داشته باشد. در همین حال، درگیری‌های مرزی دسامبر ۲۰۲۲ بین چین و هند و بی‌توجهی پکن در مورد نگرانی‌های دهلی‌نو، به این معنی است که روابط چین و هند همچنان با بی‌اعتمادی با نشانه‌های کمی حل‌وفصل است. در نتیجه، ایالات متحده و هند منافع مشترکی دارند تا ظرفیت بازدارندگی خود را در قبال پکن در مرز و در اقیانوس هند تقویت کند. ایالات متحده می‌داند که هند می‌خواهد از نزدیک شدن به رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین جلوگیری کند، اما همچنان نگران تایوان و درس‌هایی است که معتقد است چین از جنگ اوکراین می‌گیرد (میلر، ۲۰۲۳).

رویکرد چهارگانه هند، نحوه درک آن از اتحادها را نشان می‌دهد. در گذشته، هند تا حدودی نسبت به چهارجانبه بی‌علاقه بود. این کشور به عنوان همسایه چین می‌خواست از هرگونه درگیری اجتناب کند. با این حال، درگیری چین با هند در تابستان ۲۰۲۰ این رویکرد را تغییر داد. تمایل محدود به چهارجانبه در سال‌های قبل به این امید که چین را آرام کند، کارساز نبود؛ بنابراین تصمیم گرفت که به جای مباحثات با پکن، بهتر است با سایر کشورهای همفکر برای دفع تهدید چین همکاری کند (یاکوب، ۲۰۲۲). هند، ایالات متحده، ژاپن و استرالیا به طور مجازی در اجلاس ۱۲ مارس ۲۰۲۱ ملاقات کردند و در مورد توسعه همکاری در هند و اقیانوس آرام،

¹ Ranjan

² Radhakrishnan

واکسن‌ها، فناوری، تغییرات آب و هوایی و مدیریت زنجیره تامین بحث کردند. رهبران چهارگانه همچنین بیانیه مشترکی را منتشر کردند که به «روح چهارگانه» معروف شد. بدون اشاره به چین، این سند به همکاری‌های چهارجانبه علیه فعالیت‌های چین در منطقه هند و اقیانوس آرام اشاره می‌کند. پیوستن به گروه چهارجانبه هم مزایا و هم معایبی برای هند دارد. هند از طریق چهارجانبه می‌تواند حضور رو به رشد چین را در منطقه هند و اقیانوس آرام متعادل کند، از جمله ابتکار «یک کمربند و یک جاده» که منجر به ایجاد تأسیسات بندری در کشورهای همسایه هند شده است و حس محاصره را در دهلی‌نو ایجاد می‌کند. با استفاده از چهارجانبه، هند می‌تواند از جایگاه قدرت متوسط خود بالاتر برود و نفوذ خود را فراتر از اقیانوس هند و اقیانوس آرام نشان دهد (پانت^۱، ۲۰۲۲). به همین منظور هند با ابتکار «یک کمربند و یک جاده چین» مخالفت می‌کند.

اگرچه، حضور چین در اقیانوس هند نگرانی‌های امنیتی در دهلی را افزایش داده است. با این حال، همزمان، دولت‌های هند و چین در زمینه‌هایی مانند طرح بریکس، سازمان همکاری شانگهای و گروه ۲۰ همکاری می‌کنند (ولف، ۲۰۲۳: ۴). به‌طور کلی، بسیاری روابط نزدیکتر آمریکا با هند را جزء کلیدی «حفاظت از هژمونی آمریکا» از طریق دورنگه داشتن چین از اقیانوس هند، جلوگیری از اشغال نیروهای متعارف آن، حمایت از تلاش‌های متعادل‌سازی آمریکا در آسیای جنوب شرقی، حمایت از هژمونی آمریکا و نظم اقتصادی_سیاسی گسترده‌تر به رهبری آمریکا در آسیا می‌دانند (استانیلند^۲، ۲۰۱۸). بنابراین هدف هند از افزایش روابط با آمریکا، متعادل کردن نفوذ چین در ایندو_پاسیفیک است. هند این روابط را با رعایت اصول استقلال استراتژیک خود افزایش می‌دهد.

۴-۴. هند و نظم جهانی آمریکا

همانطور که چرخه قدرت نشان داده تسلط آمریکا شروع به کاهش کرده است و رقابت قدرت‌های بزرگ در حال افزایش است که به‌وضوح با ظهور چین و همچنین در بلوک‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و کشورهایمانند هند و برزیل، مشهود است (تانجا و زکریا^۳، ۲۰۲۳). اگر قدرت آمریکا افول کند نظم جهانی نیز تضعیف می‌شود. با ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ نقش آن در نظم جهانی افزایش می‌یابد.

دهلی‌نو افول ایالات متحده را در رهبری نظم بین‌الملل پدیده‌ای که منشأ آن بر ترامپ مقدم است می‌بیند و آن را به‌عنوان فرصتی برای ایفای نقش پیشرو جهانی می‌داند. با این حال، تمایل هند به سمت خودمختاری استراتژیک ممکن است این روند را پیچیده کند. هند مرتباً نظم بین‌المللی تحت رهبری غرب را به‌عنوان انحصاری و غیردموکراتیک مورد انتقاد قرار داده است، به ویژه که در شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC)، مؤسسات برتون وودز، بانک توسعه آسیایی و سایر نهادها آشکار می‌شود. در عین حال، هند از سال ۱۹۴۵، به‌طور قابل توجهی از نظم جهانی تحت رهبری ایالات متحده سود برده است. هند از طیف گسترده‌ای از مؤسسات و برنامه‌های سازمان ملل بهره‌مند شده است و همچنین از سال ۱۹۴۵ تاکنون هفت بار به‌عنوان عضو

¹ pant

² STANILAND

³ Taneja and Zakaria

غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل انتخاب شده است. بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۹، هند بزرگ‌ترین دریافت‌کننده وام، کمک‌های بلاعوض و اعتبار بوده است که در مجموع به ارزش ۱۱۴ میلیارد دلار آمریکا (۱۰/۳ درصد از کل هزینه‌های بانک جهانی) است. بر همین اساس، دولت مودی تصمیم گرفته است تا تلاشی برای نفوذ جهانی بیشتر با پیش‌فرض تلاش بیشتر برای حفظ نظم بین‌المللی انجام دهد (موکرژی، ۲۰۲۰: ۴۲۰-۴۳۳). با این حال، نگاه هند به نظم جهانی کنونی را می‌توان در سه کلمه خلاصه کرد: نابرابر، تبعیض‌آمیز و غیرنماینده. هند همچنین نهادهای جهانی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل را عمیقاً فاقد نمایندگی می‌داند (زیرا در آن عضو نیست). به‌طور کلی، هند ترجیح می‌دهد موسسات جهانی قدرتمند (مانند سازمان ملل) وجود داشته باشد. با این حال، در مورد سازمان‌های منطقه‌ای که به ماموریت‌های جهانی (مانند ناتو) می‌پردازند و به طور فزاینده‌ای نسبت به سازمان‌هایی که نماینده نیستند (مانند شورای امنیت سازمان ملل که هند به دنبال عضویت بود اما هرگز پیدا نشد) خوشبین نیست (یاکوب، ۲۰۲۲). دهلی‌نو مدت‌ها برای اصلاح نهادهای بین‌المللی (مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و شورای امنیت سازمان ملل متحد) بحث کرده است، زیرا آنها بیشتر با توزیع قدرت پس از جنگ جهانی دوم مطابقت دارند تا با وضعیت امروز جهان. در دوران ریاست G20، دولت هند بیش از هر چیز در تلاش است تا «صدای ناشنیده» جنوب جهانی را به گوش مردم برساند در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز، وزیر امور خارجه هند، سوبرهمانیام جایشانکار^۱، با اطمینان خاطر نشان کرد که همچنان نظم جهانی را بیش از حد تحت سلطه غرب (تبعیض‌آمیز) می‌داند. او اروپایی‌ها را متهم می‌کند که امور خود را در اولویت قرار می‌دهند و در نتیجه مسائل جهانی را از دست می‌دهند (ولف، ۲۰۲۳: ۲-۱).

دهلی‌نو معتقد است که جهان به سمت یک سیستم بین‌المللی چندقطبی در حال حرکت است که کنایه خود را از چند همسویی توضیح می‌دهد، اصطلاحی که توسط شاشی ثارور^۲، وزیر امور خارجه سابق این کشور ابداع شده است. باور اساسی این است که رقابت بلوکی می‌تواند برای منافع آن مضر باشد و به عنوان کشوری با نیازهای اقتصادی و سایر نیازها، به همه کمک‌هایی که می‌تواند از قدرتهای بزرگ مختلف دریافت کند، نیاز دارد. دهلی‌نو آرزوی جهانی چندقطبی را دارد؛ زیرا به قول وزیر خارجه سابق شرینگلا^۳ فکر می‌کند که جهان چندقطبی بر اساس حقوق بین‌الملل، بر اساس احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها، حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی از طریق مذاکرات صلح‌آمیز و دسترسی آزاد برای همه به اشتراکات جهانی خواهد بود (یاکوب، ۲۰۲۲). با این حال، هند و ایالات متحده در سازمان‌های چندجانبه از جمله سازمان ملل متحد، G-20، مجمع منطقه‌ای انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی همکاری نزدیک دارند. ایالات متحده از پیوستن هند به شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ برای یک دوره دوساله استقبال کرد و از شورای امنیت سازمان ملل متحد که هند را به عنوان یک عضو دائمی در برمی‌گیرد، حمایت می‌کند. هند شریک گفتگوی آسه آن، شریک سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و ناظر سازمان کشورهای آمریکایی است. به همراه استرالیا و ژاپن، ایالات متحده و هند به عنوان گروه

¹ Subrahmanyam Jaishankar

² Shashi Tharoor

³ Harsh Vardhan Shringla

چهارگانه برای ترویج هند و اقیانوس آرام آزاد و باز و ارائه مزایای ملموس برای منطقه گرد هم می‌آیند. هند همچنین یکی از دوازده کشوری است که با ایالات متحده در چارچوب اقتصادی هند و اقیانوس آرام برای شکوفایی (IPEF) شریک می‌شود تا اقتصاد دو کشور را به هم متصل، انعطاف‌پذیرتر و روابط را منصفانه‌تر کند. همچنین، هند یکی از اعضای انجمن حاشیه اقیانوس هند (IORA) است که ایالات متحده شریک گفتگو در آن است (وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۲۲).

حداقل پنج رکن کلیدی در مشارکت ایالات متحده و هند وجود دارد: ۱- دفاع و امنیت ۲- اقتصادی ۳- همکاری جهانی ۴- روابط مردم با مردم و ۵- ارزش‌های مشترک. این امر مجموعه گسترده و متنوعی از حوزه‌های انتخابی را برای روابط ایجاد کرده است، از جمله در بخش‌های مختلف دموکراسی. همچنین حمایت فراجزی از روابط ایالات متحده و هند در هر دو کشور را تضمین کرده است و همه اینها این رابطه را انعطاف‌پذیرتر و پایدارتر کرده است. ستون همکاری جهانی شامل همکاری هند و ایالات متحده در سازمان‌ها و گروه‌های چندجانبه و در مورد مسائل جهانی مانند تغییرات آب‌وهوا و بهداشت عمومی است. این نیز از عنصر دموکراسی بهره برده است. ایالات متحده هند را قدرتی متفاوت از چین تلقی می‌کند، زیرا هند را یک کشور دموکراسی می‌داند و در نتیجه از آن در سازمان‌هایی مانند گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای و اخیراً شورای امنیت سازمان ملل حمایت می‌کند و دهلی تا حدودی بر این اساس ادعای نقش بزرگتر در صحنه جهانی را مطرح کرده است. علاوه بر این، مودی در سخنرانی سال ۲۰۱۶ خود در کنگره ایالات متحده، عنوان کرده بود که دو کشور دموکراسی با یکدیگر همکاری کرده‌اند و می‌توانند این کار را بر اساس اصول «همکاری نه سلطه» انجام دهند. اتصال نه انزوا؛ احترام به اشتراکات جهانی؛ مکانیسم‌های فراگیر و نه انحصاری؛ و بالاتر از هر چیز پایبندی به قوانین و هنجارهای بین‌المللی. ویجی گوخاله^۱ وزیر خارجه سابق هند تابستان گذشته ۲۰۲۰ خاطرنشان کرد: «جهان به تعادل نیاز دارد در حال حاضر، هیچ کشوری به جز ایالات متحده ابزاری برای تضمین آن ندارد» (مادان^۲، ۲۰۲۱). هند، به نوبه خود، همچنان به دنبال دستیابی به موقعیت برتر منطقه‌ای است، اما از حضور ایالات متحده در منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند استقبال می‌کند. برای مثال، دو کشور توافقنامه‌ای امضا کرده‌اند که به تأسیسات نظامی یکدیگر دسترسی دارند و تمرین‌های نظامی دوجانبه زیادی را انجام می‌دهند. یک هند در حال ظهور در تلاش نیست تا نفوذ ایالات متحده را از منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند حذف کند، بلکه صرفاً به دنبال برتری (نه انحصار هژمونی) در منطقه خود است. به نظر می‌رسد این هدف برای ایالات متحده قابل قبول است (پاردسی، ۲۰۱۷: ۲-۱).

به‌طور کلی، قدرت رو به رشد چین، هند و سایر کشورهای غیر غربی چالشی را برای نظم قدیمی تحت رهبری آمریکا ایجاد می‌کند که به ترتیبات جدید، گسترده و مشترک بین‌المللی نیاز دارد (ایکنبری^۳، ۲۰۰۵: ۱۳۶). از این رو، نظم جهانی آمریکا چشم‌اندازی بسیار بزرگ‌تر از حفظ برتری جهانی آمریکا دارد، زیرا شامل یک سیستم بازرگانی باز، ارتقای دموکراسی، عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی و دیگر اهداف مهم است. بین هند و

¹ Vijay Keshav Gokhale

² Madan

³ Ikenberry

ایالات متحده در بسیاری از این مسائل اختلافات قابل توجهی وجود دارد. برای مثال، هند تمایلی به ترویج دموکراسی (با وجود اینکه بزرگ‌ترین دموکراسی جهان است) از طریق ابزارهای نظامی نیست و در برابر انجام این کار فراتر از همسایگی خود حتی از طریق ابزارهای غیرنظامی مقاومت می‌کند. با این وجود، ایالات متحده قادر است این اهداف دیگر را تا حد زیادی به دلیل برتری جهانی خود ارتقا دهد و ظهور هند این ستون اساسی را به چالش نمی‌کشد، حتی اگر اختلاف نظر در مورد این موضوعات ثانویه می‌تواند بر روابط کلی دو ملت تأثیر منفی بگذارد (پارسی، ۲۰۱۷: ۷). هرچند هند از نظم جهانی آمریکا انتقادهایی دارد ولی هند از مزایای این نظم برای اقتصاد خود نفع برده است و به نظر می‌رسد به عنوان یک دموکراسی مهم، وجود آمریکا را در رأس این نظم لازم می‌داند که می‌تواند با همکاری و مذاکرات کلیدی با آمریکا از این نظم بهره‌مند شود، ولی همچنان نسبت به این نظم دیدگاه انتقادی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

هند می‌تواند از جایگاه قدرت متوسط خود بالاتر برود و نفوذ خود را فراتر از اقیانوس هند و اقیانوس آرام نشان دهد. این کشور ذهنیت روبه رشد و مساعدی دارد که می‌تواند به عنوان یک دموکراسی از ظرفیت عظیم تجارت بین‌المللی و نهادهای اقتصادی نظم جهانی آمریکا استفاده کند. نمودار قدرت جامع وضعیت کنونی هند را به عنوان قدرت متوسط منطقه‌ای روبه بالا نشان می‌دهد و در منطقه ایندو-پاسیفیک در میان ۲۶ کشور بعد از آمریکا، چین و ژاپن در رده چهارم می‌باشد در حالی که از روسیه، استرالیا و کره جنوبی بالاتر است. نمودار چرخه قدرت نیز نشان‌دهنده ظهور هند به عنوان یک قدرت بزرگ است و می‌تواند نقش مهمی در نظم جهانی ایفا کند اما در مورد نظم جهانی با آمریکا به طور کامل همسو نیست و اختلاف نظر قابل توجهی دارند. بر اساس یک استدلال منطقی می‌توان گفت با افول چرخه قدرت برتر، نظم ارائه شده توسط قدرت برتر نیز جذابیت خود را از دست می‌دهد و به تدریج روند افول را طی می‌کند. بر همین اساس، منحنی چرخه قدرت و تضعیف نظم نوین جهانی حاکی از آن است که نظام بین‌المللی به سمت پویایی چندقطبی حرکت می‌کند. با نزول آمریکا در سیکل قدرت، قدرت‌های جهانی مانند هند و چین در چرخه قدرت صعود می‌کنند و می‌توانند نظم را مطابق ترجیحات خود برقرار کنند. از سویی دیگر ایالات متحده و هند نه تنها شرکای با منافع استراتژیک و اقتصادی مشترک هستند بلکه دموکراسی، نقاط قوت ناشی از تنوع، حقوق بشر، برابری، حاکمیت قانون و حل مسالمت‌آمیز اختلافات و تأکید بر این ارزش‌ها هسته اصلی روابط ایالات متحده و هند هستند. به نظر می‌رسد هند نگران اقدامات چینی‌ها در تضعیف نظم جهانی است. در واقع هندی‌ها نظم جهانی آمریکا در ایندو-پاسیفیک و سایر نقاط جهان را برای صلح و امنیت جهانی لازم می‌دانند اما نسبت به یکجانبه‌گرایی آمریکا و کاربرد ابزار نظامی در اشاعه و حفظ این نظم اختلاف نظر دارند. هندی‌ها نسبت به عدم حضور خود در میان پنج عضو اصلی شورای امنیت انتقاد می‌کنند؛ زیرا خود را به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی مهم ایندو-پاسیفیک و جهان می‌دانند و در آینده به عنوان قدرت بزرگ ظاهر می‌شود بنابراین، متناسب با نقش خود باید در شورای امنیت دارای کرسی دائم باشد. اما سنت خودمختاری استراتژیک هند در سیاست خارجی مبتنی بر عدم همسویی با کشورهای غربی و آمریکا در تحریم روسیه می‌تواند چالش مهمی میان روابط آمریکا و هند باشد؛ زیرا حمله روسیه به اوکراین

باعث تضعیف نظم جهانی شد و روابط اقتصادی و نظامی هند با روسیه می‌تواند یکی از چالش‌های مهم در ارتباط با نظم جهانی باشد. با توجه به اینکه آمریکا به تدریج در روند بین‌المللی افول می‌کند بنابراین؛ به مشارکت هند در نظم جهانی و همکاری‌های امنیتی در ایندو_پاسفیک نیازمند است، از طرفی هند نیز موافق حضور ایالات متحده در مجموعه امنیتی ایندو_پاسفیک است و موجب تقویت هژمونی آمریکا در این منطقه می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- جمشیدی، محمد و یزدانشناس، زکیه (۱۳۹۹). نظریه چرخه قدرت و تحولات قدرت ایالات متحده: بستری برای تحلیل رفتار سیاست خارجی، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۶، شماره ۵۹، ص ۸۲-۵۲.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۹). روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران: انتشارات قومس.
- علی احمدی، علیرضا و سعید نهائی، وحید (۱۳۸۷). توصیفی جامع از روش‌های تحقیق، تهران: انتشارات تولید دانش.

منابع لاتین

- Bekkevold., J. & Kalyanaraman., S. (2021). *India's Great Power Politics: Managing China's Rise*. London and New York: published by Routledge
- BAVA, U. S (2007 March). *New Powers for Global Change? India's Role in the Emerging World Order*. Friedrich-Ebert-Stiftung. FES Briefing Paper 4. Retrieved from: <https://library.fes.de/pdf-files/iez/global/04372.pdf>.
- Burgess, Stephen. F (2019). The Evolution of India-US Relations and India's Grand Strategy. *Revista UNISCI / UNISCI Journal*, 49, 79-110.
- Chan., E. S (2022). *Among the Sea Powers: Australia's Maritime Strategy in the Indo-Pacific*. Australian Institute of International Affairs. Retrieved from: <https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/among-the-sea-powers-australias-maritime-strategy-in-the-indo-pacific/>.
- Cohen., S. P (2000). *India Rising*. Brookings Institution. Retrieved from: <https://www.brookings.edu/articles/india-rising/>.
- Council on Foreign Relations (CFR) (2023). *U.S.-India Relations 1947-2022*. Retrieved from: <https://www.cfr.org/timeline/us-india-relations>
- Chinoy., S.R (2022). *Emerging World Order: An Indian Perspective*. Parliament Library and Refrence. Retrieved from: <https://parliamentlibraryindia.nic.in/lcwing/Emerging%20world%20order.pdf>.
- Congressional Research Service (CRS) (2023). *U.S.-India Trade Relations*. Retrieved from: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10384>.
- Doran., Charles F. (2000). *Confronting the Principles of the Power Cycle: Changing Systems Structure, Expectations, and Way*. in Handbook of War Studies II, edited by Manus I. Midlarsky, 2000(pp.333-368). United States of America: published by the University of Michigan press.

- Doran., C. F (2003). Economics, Philosophy of History, and the “Single Dynamic” of Power Cycle Theory: Expectations, Competition, and Statecraft. *International Political Science Review*,24(1), 13–49.
- Doran., C. F & Parsons., W. (1980). War and the Cycle of Relative Power. *The American Political Science Review*. 74(4), 947-965.
- Doran., C. F. (2015). Imperatives of European Security at Russia’s Critical Point on its Power Cycle. *Stosunki Międzynarodowe – International Relations*, 51(2), 93-105.
- Doran., C. F. (2012). Power Cycle Theory and the Ascendance of China: Peaceful or Stormy. *SAIS Review*, 32(1), 73-87.
- Davis., G. D. & Slobodchikoff., M. O (2022). *Great-Power Competition and the Russian Invasion of Ukraine*. Air Univecity. Retrieved from: <https://www.airuniversity.af.edu/JIPA/Display/Article/3111129/great-power-competition-and-the-russian-invasion-of-ukraine/>.
- Drishti. (2020). *India’s Role in Multilateral World Order*. Retrieved from: <https://www.drishtias.com/pdf/1588937818-india-s-role-in-multilateral-world-order.pdf>.
- Heim., J. L. & Miller., B. M. (2020). *Measuring Power: Power Cycles, and the Risk of Great-Power War in the 21st Century*. RAND Corporation. Retrieved from: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2989.html.
- Ikenberry., G. J. (2005). Power and liberal order: America’s postwar world order in transition. *International Relations of the Asia-Pacific*. 5(1), 133–152.
- Jacob., H. (2022). *A New Delhi View on the World Order*. Institut Montaigne. Retrieved from: <https://www.institutmontaigne.org/en/analysis/new-delhi-view-world-order>.
- Kissane., Dylan. (2008) *Forecasting the Storm: Power Cycle Theory and Conflict in the Major Power System*. EUR POLIS. Issue 3. Edited and published by the: Centre for Political Analysis Department of Political Science Babes-Bolyai University
- Kissane., D. (2005).2015 and the Rise of China, Power Cycle Analysis and the Implications for Australia. *Security Challenges*, 1(1), 105-121.
- Kukreja., V. (2020). India in the Emergent Multipolar World Order: Dynamics and Strategic Challenges. *Indian Council of World Affairs (ICWA)*, 76(1), 8–23.
- Kumar., s. (2003). Power Cycle Analysis of India, China, and Pakistan in Regional and Global Politics. *International Political Science Review*,24 (1), 113–122.

- Lahneman., W. J. (2003). Changing Power Cycles and Foreign Policy Role-power Realignment: Asia, Europe, and North America. *International Political Science Review*, 24(1), 97–111.
- Lowy Institute Asia Power (2021). *Asia Power Index: Key Findings 2021*. Sydney: Published by Lowy Institute. Retrieved from: <https://power.lowyinstitute.org/downloads/lowy-institute-2021-asia-power-index-key-findings-report.pdf>.
- Lowy Institute Asia Power (2023). *Asia Power Index: Key Findings 2021*. Sydney: Published by Lowy Institute, Retrieved from: <file:///C:/Users/z36/Desktop/%D9%87%D9%86%D8%AF/lowy-institute-2023-asia-power-index-key-findings-report.pdf>.
- Mukherjee., R. (2020). Chaos as opportunity: The United States and world order in India’s grand strategy. *Contemporary politics*, 26(4),420-438.
- Mearsheimer., John. J. (2019). Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal. *International Order International Security*, 43(4), 7–50.
- Miller, M. C (2023). *Sort Out Granular Issues to Bolster U.S.-India Ties*. *Council on Foreign Relations*. Retrieved from: <https://www.cfr.org/article/sort-out-granular-issues-bolster-us-india-ties>
- Miller., M. C. (2022). *India’s Geopolitical Challenges in 2022*. *Council on Foreign Relations*. Retrieved from: <https://www.cfr.org/article/indias-geopolitical-challenges-2022>
- Madan., T. (2021). *Democracy and the US-India relationship*. *Brookings*. Retrieved from: <https://www.brookings.edu/articles/democracy-and-the-us-india-relationship/>
- Pant., H. V. (2022). *India and the Quad: Chinese belligerence and Indian resilience*.ORF. Retrieved from: <https://www.orfonline.org/research/india-and-the-quad/>
- Pardesi., M. S. (2017). American Global Primacy and the Rise of India. *East-West Center*, 129, 1-8.
- Ranjan., om. (2022). *India emerging as ‘influencing power’ in new world order*. WION. Retrieved from: <https://www.wionews.com/india-reset-in-new-global-geo-model-501445>
- Radhakrishnan., P. (2022). *India has a key role to play in a possible new world order*. *Canadian Dimension*. Retrieved from: <https://canadiandimension.com/articles/view/india-has-a-key-role-to-play-in-a-possible-new-world-order>
- Ryan, M. (2012). *India – China in 2030: A Net Assessment of the Competition Between Two Rising Powers*. *Australlian Defence college*. Retrieved from:

December:<https://espas.secure.europarl.europa.eu/orbis/sites/default/files/generated/document/en/India%20-%20China.pdf>

- SIPRI (2023). *Trends IN World Military Expenditure*. Retrieved from: https://www.sipri.org/sites/default/files/2023-04/2304_fs_milex_2022.pdf.
- Statista (2023). *The 20 countries with the largest gross domestic product (GDP) in 2022*. Retrieved from: <https://www.statista.com/statistics/268173/countries-with-the-largest-gross-domestic-product-gdp/>.
- Sharma., B. K. (2022). *India's Foreign Policy in Evolving Geopolitical Scenario*. Valdaiclub. Retrieved from: <https://valdaiclub.com/a/highlights/india-s-foreign-policy-in-evolving-geopolitical/>.
- Staniland., P. (2018). *America has high Expectations for India: Can New Dehli Deliver?*. Warontherocks. Retrieved from: <https://warontherocks.com/2018/02/america-has-high-expectations-for-india-can-new-delhi-deliver/>
- Singh., R. (2020). *India Economy*. India :Published by McGraw Hill Education Private Limited.
- Taneja., H. & Zakaria., F. (2023). *Geopolitics Are Changing. Venture Capital Must, Too*. Harvard Business Review. Retrieved from: <https://hbr.org/2023/02/geopolitics-are-changing-venture-capital-must-too>
- Tellis., A. J. (2016). *India as a Leading Power*. Carnegie Endowment for International Peace. Retrieved from: https://carnegieendowment.org/files/CP_268_Tellis_India_final1.pdf
- Thomas., J. Kugler., J. & Tammen., R. (2021). India: The Emerging Global Power. *American Journal of Management*, 21(5),1-17.
- Thomas., J. Kugler., J. & Ronald.,T. (2021). India: The Emerging Global Power. *American Journal of Management*, 21(5),1-17.
- U.S Departement of state (2022). *U.S.-INDIA Relaiions*. Retrieved from: <https://www.state.gov/u-s-relations-with-india/>
- worldpowerindex)2023). *THE POWER OF NATIONS*. Retrieved from: <https://www.worldpowerindex.com/>.
- Wulf., H. (2023). *2023 could be India's year. FRIDISH EBERT STIFTNG*. Retrieved from: file:///C:/Users/z36/Desktop/%D9%87%D9%86%D8%AF/2023_could_be_Indias_year.pdf.

The Emergence of India as the Major Indo-Pacific Power and its Implications for the American Hegemony

Mohammad Karampouri^{1*}
Fakhruddin Mohammadi²

Abstract

Recently, many analysts have charted the rise of great power competition over the global distribution of power amidst the current flux and emerging dynamics which are reshaping the global order (and themselves are largely driven by governments and security actors). Currently, India is a major power in the Indo-Pacific region by the virtue of its GDP and military power. By utilizing library-method of data collection and a descriptive-analytical research method, this article seeks to examine the implications of India's emergence as a great power for the American dominance over world order. The paper proposes the hypothesis that the emergence of new powers weakens unipolarity, thus, leading to a bipolar or multipolar world order. The paper further argues that over the short-term horizon India will further entrench its status as a regional hegemon in the Indo-Pacific region, whilst over the long-term horizon it will emerge as a great power in the international order. The results obtained indicate that India is gradually taking over the power share of the larger countries, namely China and the US, and reshaping the regional power balance in its favor. India's growing power may prima facie seem to pose a challenge to the US-led world order, which is currently in need of new comprehensive arrangements that reshape the balance of power internationally. However, it should be noted that India's strategic outlook which is based on cooperation and partnership with the US for containing the rise of China, which in turn implies that its regional leadership initiative could ultimately strengthen American hegemony in the Indo-Pacific.

Key words: India, America, China, Indo-Pacific, world order.

¹ Ph.D. student in Political Science, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Razavi Khorasan, Iran. Corresponding Author.
(mohammad.karampouri@mail.um.ac.ir)

² M.A in International Relations, Faculty of Law & Political Science, Khwarazmi University, Tehran, Iran. (mohammadif725@gmail.com)